

چکیده

اشتغال، عامل مؤثر در رشد اقتصادی، توزیع درآمد و حفظ کرامت انسانی است. اشتغال مناسب، مایهٔ سعادت انسان و باعث رضایت شغلی، کارایی و اثربخشی فرد است. از طرفی، یکی از اهداف آموزش عالی، تربیت نیروی انسانی کارشناس و مورد نیاز جامعه و بازار کار است. به عبارت دیگر، وظیفهٔ ایجاد دانش، مهارت و نگرش مورد نیاز برای اشتغال افراد را بر عهده دارد. در این مقاله سعی شده با توجه به دیدگاه‌های نظری موجود، به بررسی این مورد پرداخته شود که «چرا افراد ادامهٔ تحصیل در دوره‌های تحصیلات تکمیلی را بر اشتغال در بازار کار ترجیح می‌دهند؟»

ادامهٔ تحصیل در دوره‌های تحصیلات تکمیلی یا اشتغال در بازار کار

بررسی دیدگاه‌های نظری

دکتر ابراهیم صالحی عمران

عضو هیئت علمی دانشگاه مازندران
edpes60@hotmail.com

فاطمه حسین تبار مرزبالی

کارشناس ارشد برنامه‌ریزی آموزشی
hoseintabarf@yahoo.com

مقدمه و بیان مسئله

بخش آموزش عالی، به منزلهٔ کانون علم، تفکر و نوآوری که محل فعالیت بیشتر نخبگان، اندیشمندان و کارشناسان کشور است و مؤثرترین بخش در تأمین توسعهٔ پایدار در کشور به شمار می‌آید، وظایف و مسئولیت‌های عمده‌ای چون توسعه و ارتقای علوم و معارف، تربیت و تأمین نیروی انسانی کارشناس مورد نیاز کشور، زمینه‌سازی برای ایجاد بسترهای لازم و محیط‌های مشوق نوآوری و خلاقیت، شناسایی و هدایت نیروهای مستعد و خلاق در مسیر رفع نیازهای جامعه، فراهم آوردن زمینه‌های افزایش دانش عمومی و در سطح جامعه، نوسازی بخش با توجه به تحولات جهانی در عرصه‌های علم و فناوری و مشاوره به جامعه و فرهنگ‌سازی را بر عهده دارد (گزارش ملی آموزش عالی تحقیقات و فناوری، ۱۳۸۶: ۴).

دانشگاه، عالی‌ترین نهاد تربیت و آموزش سرمایهٔ انسانی با بهره‌گیری از همهٔ منابع معرفتی و مهم‌ترین مرکز پژوهش و نوآوری در حوزه‌های مختلف علم و فناوری و زمینه‌ساز و پیشگام تحولات عمیق فرهنگی، اجتماعی و سیاسی و مروج اخلاق، علم و حکمت و پشتیبان بنگاه‌های دانش‌بنیان است (نقشهٔ جامع علمی کشور، ۹۰-۱۳۸۹). ویژگی مهم آموزش عالی در چهار دههٔ گذشته، گسترش سریع آموزش عالی در کشورهای در حال توسعه، از جمله کشور ما بوده است. همچنین کشور ما در سال‌های گذشته شاهد گسترش آموزش در بخش تحصیلات تکمیلی و به دنبال آن، افزایش شمار دانش‌آموختگان تحصیلات تکمیلی بوده است. این رشد تعداد دانش‌آموختگان تحصیلات تکمیلی نسبت به دهه‌های گذشته می‌تواند زمینه‌ساز بروز مشکلاتی باشد که مهم‌ترین آن‌ها اشتغال دانش‌آموختگان است.

اشتغال، عاملی مؤثر در رشد اقتصادی، توزیع درآمد و حفظ کرامت انسانی است و در مقابل بیکاری، به‌عنوان ریشهٔ بسیاری از ناهنجاری‌ها و پیامدها و تبعات اقتصادی، اجتماعی و سیاسی، قرار دارد. بیکاری، پدیدهٔ اقتصادی بسیار مهمی برای دولت‌ها به شمار می‌رود. دولت‌ها همواره می‌کوشند معضلات اقتصادی اجتماعی ناشی از بیکاری را حل کنند (میرزایی و آقاجانی، ۱۳۸۸: ۲۱۹).

مرکز آمار ایران از وجود ۲۳/۴ درصد بیکار دانش‌آموختهٔ دانشگاهی در سال ۱۳۸۶ خبر داده و شرایط و اوضاع سال‌های گذشته بیانگر آن است که این درصد روبه‌رشد بوده است؛ به‌گونه‌ای که براساس نتایج آخرین سرشماری نفوس و مسکن سال ۹۰ مرکز آمار ایران، در مجموع، ۷۶۸ هزار و ۵۱ نفر بیکار دانش‌آموختهٔ دانشگاهی در کشور وجود دارد که از این تعداد ۲۰۷ هزار و ۳۱۰ نفر مدرک فوق‌دیپلم، ۵۰۵ هزار و ۱۰ نفر مدرک لیسانس، ۵۲ هزار و ۱۶۹ نفر مدرک فوق‌لیسانس و دکتری حرفه‌ای و ۳ هزار و ۳۸۸ نفر نیز مدرک دکتری تخصصی دارند. هدف اصلی این مقاله، بررسی علل ادامهٔ تحصیل افراد در دوره‌های تحصیلات تکمیلی به‌جای اشتغال در بازار کار است.

پیشینهٔ تحقیق

مهارت‌های مربوط به اشتغال همیشه جزء مهم‌ترین مهارت‌های زندگی محسوب می‌شده و تلاش بر این بوده که این مهارت‌ها به‌طور منظم و نظام‌مند توسعه یابد. در دنیای امروز، تغییرات اقتصادی و اجتماعی، این موضوع را به پدیده‌ای جهانی تبدیل کرده است (صالحی عمران، ۱۳۸۸: ۱۱۳).

کارفرمایان به‌خصوص در سال‌های گذشته معتقدند که کارآموزان برای کار در آینده با ضعف آمادگی مواجه‌اند.

نداشتن مهارت و شایستگی دانش‌آموختگان دانشگاهی از دیدگاه کارفرمایان در برخی از تحقیقات مورد تأیید قرار گرفته است؛ از جمله مقاله مهرعلی‌زاده و آرمین (۱۳۸۶) که تحت عنوان «بررسی بازار کار دانش‌آموختگان مقطع کارشناسی در دانشگاه‌های دولتی ایران» نگاشته شده است. نتایج پژوهش آن‌ها نشان می‌دهد:

■ مسئله اشتغال دانش‌آموختگان در کشور بحرانی است.

■ تجارب و برنامه آموزشی دوره‌های کارشناسی، با نیازهای موجود بازار کار، هماهنگی ندارد.

■ برای دستیابی به اشتغال در بازار کار ایران ضروری است که دانشگاه‌ها فعالیت‌های خود را در چهار زمینه اساسی «مهارت‌های روش‌شناسی و کارآفرینی، مهارت‌های علمی، مهارت‌های ارتباطی و مهارت‌های اطلاع‌رسانی»، متمرکز کنند.

ملا محمد میرزایی و دیگران (۱۳۸۵) نیز در تحقیق خود تحت عنوان «رابطه آموزش عالی و کارایی و اشتغال دانش‌آموختگان: دیدگاه استادان، مدیران و دانش‌آموختگان؛ بررسی موردی آموزش جنگل» به این نتایج دست یافتند:

■ مدیران اجرایی از دانش و مهارت دانش‌آموختگان، رضایت چندانی ندارند.

■ رابطه بین آموزش و اشتغال، بسیار ضعیف است.

مجتهدزاده و همکاران (۱۳۸۹) در بررسی دیدگاه استادان دانشگاه، شاغلان در حرفه و دانشجویان حسابداری در مورد اهمیت دانش و مهارت‌های مورد نیاز برای دانش‌آموختگان رشته حسابداری و کفایت ارائه آن‌ها به واسطه برنامه کنونی آموزش حسابداری دریافتند:

■ از دیدگاه پاسخ‌دهندگان، برنامه‌های کنونی آموزش حسابداری در ارائه دانش و مهارت‌های مورد نیاز دانش‌آموختگان، کفایت لازم را ندارد (به نقل از مؤمنی، کرمی و مشهدی، ۱۳۹۱: ۶۱).

از دیگر پژوهشگران می‌توان به صالحی عمران و یغموری (۱۳۸۹) اشاره کرد که در بررسی مهارت‌های اشتغال‌زای بازار کار با توجه به اقتصاد جهانی در برنامه‌های درسی آموزش عالی در دانشگاه مازندران، نتیجه گرفتند:

■ میزان برخورداری دانشجویان از مهارت‌های اشتغال‌زای بازار کار در سطح متوسط رو به پایین است.

■ رشته تحصیلی دانشجویان با میزان برخورداری آنان از مهارت‌های اشتغال‌زای بازار کار ارتباطی ندارد.

■ برنامه‌های درسی آموزش عالی در زمینه پرورش توانمندی‌ها و مهارت‌های اشتغال‌زای بازار کار در دانشجویان، ناتوان هستند (به نقل از مؤمنی، کرمی و مشهدی، ۱۳۹۱: ۶۲).

همچنین در بیان نداشتن مهارت و شایستگی از دیدگاه کارفرمایان، می‌توان به نبودن تعامل کافی بین صنعت و دانشگاه اشاره کرد که در نتیجه آن دانشگاه‌ها اطلاع زیادی از مهارت‌های مورد نیاز در صنعت ندارند. در این مورد می‌توان به مقاله‌ی محمد بهروزی (۱۳۸۸) تحت عنوان «ارائه مدلی مناسب برای پاسخ به نیازهای بازار کار از طریق ارتباط کارآمد صنعت و دانشگاه» استناد کرد. براساس یافته‌های این تحقیق، ضمن تأکید بر تعامل صنعت و دانشگاه به منظور به حداقل رساندن رابطه بین تئوری و عمل در شرایط واقعی، بر ایجاد مراکز رشد و پارک‌های علم و فناوری، به عنوان حلقه‌های واسطه بین تئوری و عمل در دانشگاه با صنعت، تأکید شده است.

مصطفی اجتهادی و محمد بهروزی (۱۳۸۵) در مقاله «توانایی‌ها و قابلیت‌های دانش‌آموختگان در پاسخ به نیاز بازار کار به منظور ارائه چارچوب ادراکی مناسب» به این نتیجه دست یافتند که:

■ ناهماهنگی بین برنامه‌های درسی و آموزشی دانشگاه با صنعت، به بیکاری افراد منجر می‌شود.

مرتضی شیرینی و محمدعلی زلفی‌گل (۱۳۸۹) در مقاله «مراکز تحقیق و توسعه: پل موفقیت بین دانشگاه و صنعت»، بر ارتباط مستقیم بین دانشگاه و صنعت در ایران در راستای کاربردی کردن پژوهش‌ها تأکید فراوانی دارند و یکی از راهکارهای موجود برای رسیدن به این هدف را «ایجاد و تقویت مراکز پژوهشی خصوصی» می‌دانند، به‌طوری‌که نیروی پژوهشگر دانشگاه‌ها و دیگر مراکز آموزشی از آن استفاده کرده و به صنایع خدمت‌رسانی کنند. این مراکز اگر همراه با نیاز جامعه باشند در درآمدت علاوه بر این که کشور را به سمت بومی کردن علوم صنعتی پیش می‌برند، در عین حال مشاغل در خور شأن دانش‌آموخته‌های رده‌های بالای علمی ایجاد کرده و از مهاجرت آن‌ها جلوگیری می‌کنند (شیری، زلفی‌گل، ۱۳۸۹).

می‌توان در بررسی وضعیت اشتغال دانش‌آموختگان تحصیلات تکمیلی، به بررسی تأثیر رضایت شغلی اساتید و امنیت

شغلی‌شان، بر نگرش دانشجویان برای اشتغال در بخش صنعت یا دانشگاه و نیز به بررسی جایگاه مشاغل از دید دانشجویان تحصیلات تکمیلی و تأثیر آن بر اشتغال پرداخت.

شرتر منزلت و مقام اجتماعی شغل را در انتخاب آن مؤثر می‌داند (شرتر، ۱۳۷۱: ۲۶۷).

کلارک، هولنگ شید، هاپاک لیسپت و غیره هم پایگاه اقتصادی و اجتماعی، موقعیت و محیط خانواده و شناخت مشاغل را در انتخاب شغل مؤثر دانسته‌اند (اردبیلی، ۱۳۷۸: ۱۸۱-۱۶۳؛ به نقل از علی‌اکبر قهرمانی، ۱۳۸۷).

تعریف مفهومی پایگاه یا منزلت شغلی در زیر آورده شده است:

«پایگاه» در بیان روزمره اغلب معنای آبرو و حیثیت را می‌رساند؛ ولی کاربرد جامعه‌شناختی این واژه متفاوت است. از نظر یک جامعه‌شناس، پایگاه عبارت است از «یک موقعیت در جامعه». در این معنا، هر فرد در جامعه، تعدادی پایگاه را اشغال می‌کند. پایگاه شخص نشان می‌دهد که آن فرد در کجای جامعه قرار دارد و چگونه باید با دیگر مردم رابطه داشته باشد (توسلی، ۱۳۷۵: ۲۰؛ به نقل از علی‌اکبر قهرمانی، ۱۳۸۷).

منزلت، به معنای «موقعیت فرد» در جامعه است. افراد مختلف، منزلت‌های مختلفی در اجتماع دارند. برخی از منزلت‌ها انتسابی است و جامعه آن را به شخص اعطا می‌کند و سایر منزلت‌ها اکتسابی‌اند (صدیق سروسرانی، ۱۳۸۵: ۵؛ به نقل از علی‌اکبر قهرمانی، ۱۳۸۷).

منزلت، پایگاهی است که فرد در قشر بندی اجتماعی اشغال می‌کند و رتبهٔ فرد را در رابطه و مقایسه با دیگران نشان می‌دهد. منزلت یک فرد، سبک زندگی، ارزش‌ها، الگوهای رفتاری، امتیازها و قدرت‌ش را تعیین می‌کند (کوئن، ۱۳۷۱: ۱۸۹؛ به نقل از علی‌اکبر قهرمانی، ۱۳۸۷). ماکس وبر، منزلت اجتماعی را معادل «شان» می‌داند (مندراس، ۱۳۶۹: ۱۸۵؛ به نقل از علی‌اکبر قهرمانی، ۱۳۸۷).

بنابراین برای مثال وقتی از منزلت اجتماعی «معلم» سخن به میان می‌آید، می‌توان گفت این جایگاه، عبارت از ارزشی است که یک گروه برای یک نقش اجتماعی قائل است (آگ‌برن و نیم‌کف، ۱۹۴۶، ترجمه ۱۳۴۵: ۱۵۵؛ به نقل از سرمد، کریم‌زاده و کولیوند، ۱۳۹۰: ۸۱).

دربارهٔ رضایت شغلی می‌توان گفت، رضایت شغلی افراد به انگیزه‌ای بستگی دارد که آنان را به کار و می‌دارد و این ناشی از نیازهایی است که افراد دارند. حال ممکن است این انگیزه آگاهانه باشد یا ناآگاهانه، چون نیازهای انسان متنوع و بی‌نهایت است. افراد در ارضای این نیازها با هم به رقابت می‌پردازند. پس ما باید در رضایت شغلی به نیازهایی اولویت دهیم که انگیزهٔ اصلی افراد برای انجام کارند (عادلی راد و محمدی، ۱۳۷۸ و علی‌اصغر فیروز جانیان، ۱۳۸۴).

در این مقاله سعی شده با کمک نظریهٔ سرمایهٔ انسانی، سرمایهٔ فرهنگی، دیدگاه ساختی کارکردی، دیدگاه سازنده‌گرایی و نظریهٔ هشداردهنده، به بررسی اشتغال دانش‌آموختگان تحصیلات تکمیلی پرداخته شود.

بررسی دیدگاه‌های نظری

در بررسی رابطهٔ آموزش عالی تحصیلات تکمیلی و اشتغال، دیدگاه‌های نظری مختلفی وجود دارد. این نظریه‌ها چارچوب مناسبی برای تحلیل این مقاله فراهم می‌کنند. ابتدا با کمک نظریهٔ سرمایهٔ انسانی به بررسی این رابطه پرداخته می‌شود.

■ نظریهٔ سرمایهٔ انسانی

نظریهٔ سرمایهٔ انسانی در این مقاله مورد توجه قرار گرفته است؛ زیرا:

اغلب اقتصاددانان بر تشکیل سرمایهٔ فیزیکی و سرمایهٔ انسانی به‌عنوان عوامل اصلی تعیین‌کنندهٔ رشد و توسعهٔ اقتصادی تأکید دارند. در نظریه‌های جدید رشد بر نقش سرمایهٔ انسانی بر رشد اقتصادی تأکید بیشتری می‌شود و نیروی انسانی آموزش‌دیده و اندیشه‌ و تفکر او در توسعه و گسترش فناوری‌های تولید به‌عنوان پایه و محور اساسی پیشرفت و رشد اقتصادی معرفی می‌شود. تمرکز «کمی» سرمایه شامل شکل‌گیری واحدهای صنعتی و ماشین‌آلات و تمرکز «کیفی» سرمایه به‌صورت برخورداری از خدمات مطلوب‌تر آموزش و بهداشت و ارتقای سطح علم و مهارت، نقشی اساسی بر رشد و توسعهٔ جامعه ایفا می‌کند. به همین جهت آموزش عالی هر کشور نقشی محوری و اساسی در فراهم آوردن بستر مناسب برای رشد اقتصادی کشور ایفا می‌کند (الماسی، سهیلی و سپه‌بان قره‌بابا، ۱۳۹۰: ۱۴).

نتایج مقاله «بررسی آثار سرمایه‌گذاری در آموزش عالی بر رشد اقتصادی ایران طی دورهٔ ۱۳۸۴-۱۳۵۰» (۱۳۹۰)

نشان می‌دهد، با سرمایه‌گذاری بیشتر در نیروی انسانی و تربیت افزون‌تر نیروی انسانی، زمینه‌افزایش عرضه نیروی کار کارشناس و با تحصیلات عالی و همچنین افزایش پژوهشگر و کارآفرین فراهم می‌شود، زیرا این نیروی کارشناس و آموزش‌دیده می‌تواند از طریق نوآوری و به‌کارگیری بهینه امکانات مادی و مالی کشور موجب سرعت گرفتن روند رشد جامعه می‌شود.

نظریه سرمایه‌انسانی، آن‌گونه که اقتصاددانان تبیین می‌کنند، تفسیری بسیار ساده از نقش آموزش ارائه می‌دهد. دوره‌های مختلف تحصیلی در فرد، مهارت‌ها، دانش، بینش و توانمندی‌هایی را ایجاد می‌کنند که در بازار برای آن‌ها تقاضا وجود دارد. این امر باعث می‌شود که هر چه فرد آموزش بیشتری دریافت کند، فرصت‌های شغلی و درآمد بیشتری داشته باشد (معدن آرائی و سرکار آرائی، ۱۳۸۸: ۶۵).

نظریه سرمایه‌انسانی پایه تحلیل اقتصادی بُعد عرضه^۱ و تقاضای^۲ آموزش محسوب می‌شود. در نظریه سرمایه‌انسانی، سرمایه‌گذاری در آموزش عالی به‌عنوان تلاش اساسی انسان برای دستیابی به امنیت اجتماعی و توانگری مطرح است زیرا به‌طور کلی فرض شده است که آموزش عالی در طول زمان به کسب درآمد اقتصادی بیشتر منجر می‌شود. بازار کار از یک طرف به مهارت‌ها و توانایی‌های افراد اشاره دارد و از طرف دیگر بیانگر تقاضای کارفرمایان برای به‌کارگیری انواع مهارت‌هاست که از طریق نظام‌های آموزشی عرضه می‌شود (قدیمی، منوچهری قشقایی و قاسمی، ۱۵۳۱۳۸۶: ۱۵۲). بین ایدئولوژی سرمایه‌انسانی بیان‌شده و واقعیت‌های فعلی مربوط به اشتغال تحصیلات تکمیلی، تناقض وجود دارد، زیرا با وجود سرمایه‌گذاری افراد در تحصیلات، به‌ویژه در تحصیلات تکمیلی، میزان اشتغال افراد کم است و این نشان از کارایی نداشتن گسترش آموزش در کشور دارد.

نکته مهم دیگری که در نقد و بررسی سرمایه‌انسانی باید مورد توجه قرار گیرد، نقش قدرت بر عرضه و تقاضای نیروی کار است. هلسی در این باره می‌گوید: «مسئله عمده این است که نشان دادن ارتباط علی بین آموزش عالی و تولید اقتصادی اگر غیرممکن نباشد، بسیار دشوار است. برای این امر دو دلیل در هم تنیده وجود دارد: اول این که ارتباط بین آموزش و پرورش و تولید، به‌ویژه در مورد پدیده تورم مدارک آموزشی، باید با توجه به موضوع قدرت در نظر گرفته شود.

دوم این که تغییرات تقاضای مهارت برای یک موضوع فنی و اجتماعی، مشروط به تضاد اجتماعی و سلیقه‌های افراد است» (صالحی عمران، ۱۳۸۳: ۵۸).

از طرفی، کمبود و فقدان مهارت‌ها، یکی از مهم‌ترین دلایل جذب نشدن دانش‌آموختگان تحصیلات تکمیلی است و این عامل مورد تأکید بسیاری قرار گرفته و پژوهشگران در مورد آن به بررسی و تحقیق پرداخته‌اند و بیشتر آن‌ها از نداشتن مهارت در دانش‌آموختگان دانشگاهی خبر داده‌اند. البته منظور از مهارت، هم مهارت آموزشی است و هم مهارت پژوهشی؛ که در مورد دانش‌آموختگان تحصیلات تکمیلی تأکید بر مهارت‌های پژوهشی است و نیز مهارت‌هایی که هر دانش‌آموخته دانشگاهی در هر رشته تحصیلی باید از آن بهره‌مند باشد.

آیا دانش‌آموختگان تحصیلات تکمیلی دارای مهارت‌های کافی برای بخش صنعت هستند؟ این مهارت‌ها چه نوع مهارت‌هایی هستند؟ با توجه به این که طبق نظریه سرمایه‌انسانی، افراد با آموزش به توانمندی، بینش و نگرش‌های لازم برای کار دست می‌یابند، در بررسی بینش و نگرش کسب‌شده در محیط دانشگاه، آیا زمینه برای اشتغال در بخش صنعت به‌وجود می‌آید؟

به عبارت دیگر، عرضه با تقاضا متناسب نیست و این عامل به بیکاری روزافزون دانش‌آموختگان تحصیلات تکمیلی منجر شده است. حال برای متناسب شدن عرضه و تقاضا چه باید کرد؟

به‌نظر می‌رسد اساتید، حلقه واسط بین عرضه و تقاضا هستند و این دانشجویست که با مهارت ارتباطی خود در نوشتن پایان‌نامه یا مقاله خود می‌تواند از آنچه مورد تقاضای صنعت است، آگاهی یابد. در این نقطه است که نقش سرمایه فرهنگی ظاهر می‌شود.

■ نظریه سرمایه فرهنگی

اصطلاح سرمایه فرهنگی را نخستین بار پیر بوردیو (۲۰۰۲-۱۹۳۰) به ادبیات علوم اجتماعی و انسانی وارد کرد. وی خالق مفاهیمی دیگری مانند «عادت‌واره»^۳، میدان^۴ و سرمایه فرهنگی^۵ نیز هست. درک بوردیو از «سرمایه»، وسیع‌تر از

معنای پولی سرمایه در اقتصاد است. سرمایه، منبعی عام است که می‌تواند شکل پولی و غیر پولی و همچنین ملموس و غیر ملموس به خود بگیرد؛ بنابراین به نظر بوردیو، سرمایه هر منبعی است که در عرصهٔ خاصی اثر بگذارد و به فرد امکان دهد که سود خاصی را از طریق مشارکت در رقابت بر سر آن به‌دست آورد (روحانی، ۱۳۸۸: ۱۲).

به عبارت دیگر، کاربرد کلمهٔ سرمایه برای واژه‌هایی همچون اجتماع، فرهنگ، زبان، آموزش و رواج واژه‌هایی مانند سرمایهٔ اجتماعی، سرمایهٔ فرهنگی، سرمایهٔ زبانی و سرمایهٔ آموزشی، درواقع ناظر بر این معناست که در جهان فعلی هریک از این‌ها برای دارندگان خود فواید و مزایای اقتصادی در پی می‌آورند که اطلاق واژهٔ سرمایه را برای آن‌ها الزامی می‌سازد و نشان می‌دهد افرادی که به این سرمایه دسترسی ندارند، منافعی را از دست می‌دهند که جنبهٔ مالی و مادی دارد. به‌علاوه، دستیابی به هریک از این امور متضمن نوعی سرمایه‌گذاری است؛ بنابراین افراد انتظار دارند که سود این امور به شکل نوعی سرمایه به آن‌ها باز گردد، زیرا در غیر این صورت تلاش افراد (دست‌کم از نظر اقتصادی) مبنای منطقی و عقلانی نخواهد داشت. همچنین کاربرد این واژه در موقعیت‌های گوناگون به درک این نکته نیاز دارد که در عالم واقع، اشکال گوناگون سرمایه‌دارای روابط تنگاتنگی با یکدیگر دارد و وجود یکی به تحقق دیگری وابسته است (معدن‌دار آرانی و سرکار آرانی، ۱۳۸۸: ۱۲۷).

به‌طور کلی، فرهنگ می‌تواند در جهان فعلی، نوعی سرمایه محسوب شود، زیرا برای دارندگان خود فواید و مزایای اقتصادی در پی دارد. سر ادوارد برنت تایلور، انسان‌شناس انگلیسی، در تعریف فرهنگ می‌گوید: «فرهنگ، کلیت درهم‌تافته‌ای شامل دانش، دین، هنر، اخلاقیات، آداب و رسوم و هرگونه توانایی و عادت است که آدمی به‌عنوان عضوی از جامعه، به‌دست می‌آورد (آشوری، ۱۳۸۰: ۱۱۲؛ به نقل از روحانی، ۱۳۸۸: ۱۲).

دومیس^۶ سرمایهٔ فرهنگی را چنین تعریف می‌کند: «سرمایهٔ فرهنگی، عبارت از دانش و شایستگی‌هایی است که طبقات بالای اجتماع از آن برخوردارند (دومیس، ۲۰۰۲؛ به نقل از معدن‌دار آرانی و سرکار آرانی، ۱۳۸۸).

سالیون^۷ می‌گوید: «سرمایهٔ فرهنگی، آشنایی با فرهنگ برتر در جامعه، به‌ویژه توانایی استفاده و کاربرد زبان تحصیل‌کرده‌ها است (سالیون، ۲۰۰۱؛ به نقل از معدن‌دار آرانی و سرکار آرانی، ۱۳۸۸: ۱۲۹).

هایس^۸ می‌گوید: «اصطلاح سرمایهٔ فرهنگی، بازنمایی جمع نیروهای غیراقتصادی مانند زمینهٔ خانوادگی، طبقهٔ اجتماعی، سرمایه‌گذاری‌های گوناگون و تعهدات نسبت به تعلیم و تربیت، منابع مختلف و مانند آن‌هاست که بر موقعیت دانشگاهی (علمی یا تحصیلی) تأثیر می‌گذارد (تراسبی، ۱۳۸۲: ۷۴-۶۸؛ به نقل از روحانی، ۱۳۸۸: ۱۶).

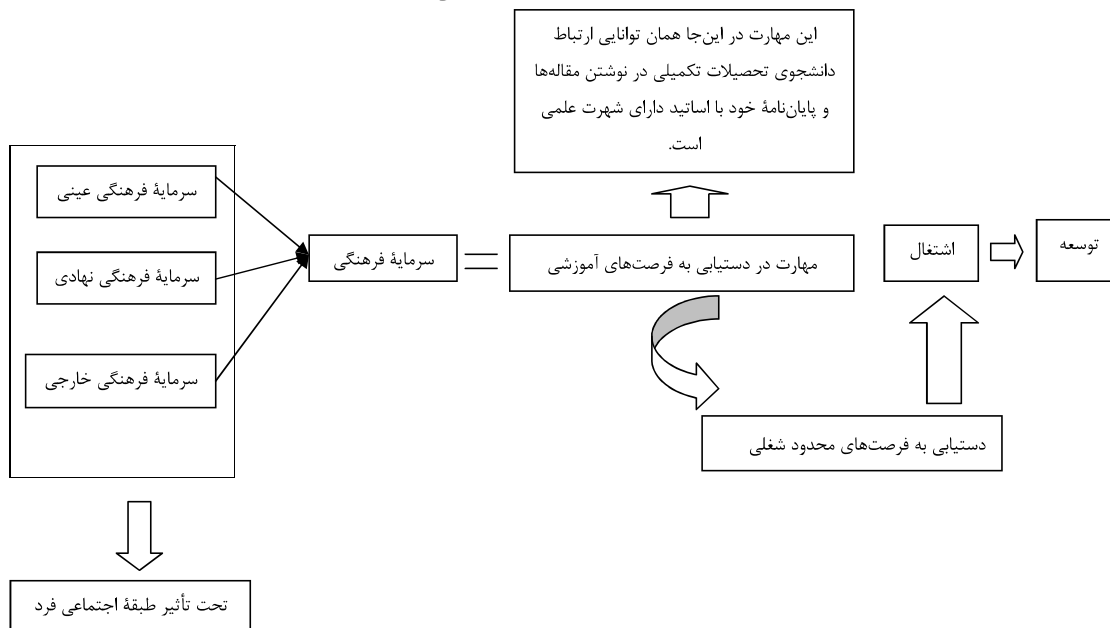
بوردیو می‌گوید: «سرمایهٔ فرهنگی به مثابه دانش (شناختی) است که افراد را قادر به تفسیر کدهای فرهنگی گوناگون می‌کند».

با این حال برخی آن را با طبقات مسلط، مرتبط می‌دانند و برخی آن را با زبان، در پیوند می‌یابند، آشفنبرگ^۹ و ماس^{۱۰} (۱۹۹۷) ویژگی‌های اصلی سرمایهٔ فرهنگی را مهارت و آشنایی با رمزهای فرهنگی و اعمال طبقات مسلط می‌دانند (روحانی، ۱۳۸۸: ۱۷).

بوردیو معتقد است، آموزش وسیله‌ای است که جامعهٔ مدرن برای انتقال سرمایهٔ فرهنگی اختراع کرده است (کلدی، فلاح‌مین‌باشی، ۱۳۸۸) و مهم‌ترین دستاورد آموزش برای دانشجو و دانش‌آموز، دانش ژرف و دقیقی که فرامی‌گیرد، نیست؛ بلکه روش‌های کسب دانش، عادات روحی خاص، شیوه‌های طرح پرسش و مسئله و موضع‌گیری‌های نظری، مهم‌ترین دستاوردهای یک سامانهٔ آموزشی محسوب می‌شود (فیض، ۱۳۸۹: ۱۲).

می‌توان نتیجه گرفت که سرمایهٔ فرهنگی هر فرد در میدان آموزشی (دانشگاه) یعنی مهارت در دستیابی به فرصت‌های آموزشی برای او؛ این فرصت‌های آموزشی همان نوشتن مقاله یا پایان‌نامه با اساتیدی است که شهرت علمی دارند و گرفتن پروژه‌های صنعتی با اعتبار دانشگاه است که نیاز دارد دانشجوی تحصیلات تکمیلی دارای مهارت ارتباطی با استاد باشد و این امر می‌تواند فراهم‌کننده فرصت‌های شغلی برای او باشد. به عبارت دیگر، استاد با آگاهی از وضعیت صنعت می‌تواند حلقهٔ واسطه خوبی برای فرصت‌های شغلی باشد. نمودار تأثیرگذاری سرمایهٔ فرهنگی افراد بر اشتغال، در ادامه آمده است.

نمودار: نمایش تأثیر گذاری سرمایه فرهنگی افراد بر اشتغال



برای این که استاد بتواند دانشجوی تحصیلات تکمیلی را به سمتی هدایت کند که دانشجو موضوعات متناسب با نقاط ضعف بخش‌های صنعتی را انتخاب کند و به بیان راه حل برای نقاط ضعف آن بپردازد، باید از ارتباط بین بخش‌های مختلف جامعه و امکانات و محدودیت‌های آن آگاه باشد. با این آگاهی‌ها، اشتغال متناسب با جامعه برای فرد فراهم خواهد شد. به عبارت دیگر، برای راهنمایی بهتر دانشجوی تحصیلات تکمیلی، آگاهی از بخش‌های مختلف جامعه ضرورت دارد. برای تبیین بیشتر این موارد، از نظریه ساختی کارکردی پارسونز کمک گرفته می‌شود.

■ دیدگاه ساختی کارکردی

به طور کلی، یکی از مهم‌ترین دلایل بیکاری و جذب نشدن متناسب دانش‌آموختگان دانشگاهی در بخش صنعت، نبود ارتباط بین دانشگاه و صنعت است. در مقاله ابراهیم فیوضات و رضا تسلیمی تهرانی (۱۳۸۶) تحت عنوان «بررسی جامعه‌شناختی رابطه دانشگاه و صنعت در ایران امروز»، بیان شده است که در دیدگاه ساختی کارکردی پارسونز که در تحلیل نظام اجتماعی به کار رفته است، کل جامعه از چهار نظام «نظام اقتصادی، نظام سیاسی، نظام اجتماعی و نظام فرهنگی» تشکیل شده و هریک از این نظام‌ها هم از خرده‌نظام‌ها و نهادهای اجتماعی معینی تشکیل شده‌اند. از جمله این نهادها می‌توان به نهادهای صنعت و نهاد آموزش و پرورش (شامل مدرسه، دانشگاه و...) اشاره کرد که به ترتیب به نظام‌های اقتصادی و فرهنگی جامعه تعلق دارند. از دید پارسونز هریک از این نظام‌ها کارکرد و وظیفه مخصوص خود را بر عهده دارند:

■ **کارکرد نظام اقتصادی** تطبیق جامعه با موقعیتی است که در آن قرار گرفته است؛ یعنی تطبیق جامعه با محیطش و تطبیق محیط با نیازهای جامعه

■ **کارکرد نظام سیاسی** دستیابی به هدف است؛ یک نظام باید هدف‌های اصلی‌اش را تعیین کند و به آن‌ها دست یابد.

■ **کارکرد نظام اجتماعی** ایجاد یکپارچگی و انسجام است و باید روابط متقابل اجزای سازنده‌اش را تنظیم کند.

■ **کارکرد نظام فرهنگی** نگهداشت و حفظ الگوست. هر نظامی باید انگیزش‌های افراد و الگوهای فرهنگی آفریننده و نگهدارنده این انگیزش‌ها را محافظت و تجدید کند.

نکته مهم دیگری که پارسونز یادآوری کرده است «تعادل کارکردی» و سعی در ایجاد و حفظ این تعادل در جامعه و در بین نظام‌های اجتماعی است. از این دیدگاه وی، هر نظام نیازهای مشخصی از نیازهای کل جامعه را پاسخ می‌گوید و در ضمن نظام‌های مختلف جامعه هم نیازهای خود را از طریق دیگر نظام‌ها برآورده می‌کنند؛ بنابراین نظام‌های مختلف اجتماعی، به پاسخگویی متقابل نیازهای یکدیگر می‌پردازند و همین امر پایه ایجاد تعادل کارکردی در جامعه کل را فراهم

می‌آورد و باعث می‌شود تا جامعه به صورت یک کل منسجم به حیات خود ادامه دهد. از دیدگاه پارسونز هر نظام اجتماعی و از جمله نظام اجتماعی کل یا جامعه، از خاصیت نظم و وابستگی متقابل اجزا برخوردار است؛ بنابراین و براساس این دیدگاه می‌توان گفت که در راستای ارتباط متقابل در نظام اجتماعی اقتصاد و فرهنگ و به‌ویژه در شکل تعاملات میان دو نهاد متناظر آن‌ها، یعنی صنعت و دانشگاه باید از لزوم وجود روابط مناسب پسرونده و پیش‌رونده در بین آن‌ها سخن گفت و چنین ارتباطی را برای حفظ کارکرد و تعادل نظام اجتماعی کل هم ضروری شمرد (فیوضات و تسلیمی تهرانی، ۱۳۸۶: ۲۷۰)؛ و این ارتباط بر اشتغال افراد در صنعت تأثیر خواهد گذاشت.

حالا سؤال اینجاست که آیا دانش‌آموختگان تحصیلات تکمیلی می‌توانند نیازهای بخش اقتصادی (صنعت) را برآورده سازند؟ آیا علت جذب نشدن آن‌ها، نبود ارتباط کافی بین بخش اقتصادی (صنعت) و بخش آموزشی (دانشگاه) است؟ آیا دانش‌آموختگان از مهارت‌های مورد نیاز بخش اقتصادی (صنعت) برخوردارند؟ آیا اساتید که حلقهٔ واسطه بین دانشگاه و صنعت هستند، می‌توانند اطلاعات و موضوعات مورد نیاز بخش صنعت را در اختیار دانشجویان قرار دهند؟ نگرش به اشتغال در بخش صنعت یا دانشگاه، از جمله مواردی است که فرد از محیط دانشگاه از طریق تعامل با اساتید خود به دست می‌آورد. برای تبیین آنچه گفته شد، از نظریهٔ سازنده‌گرایی بهره گرفتیم.

■ دیدگاه سازنده‌گرایی

به عقیدهٔ سازنده‌گرایان، یادگیرندگان واقعیت خویش را می‌سازند یا دست کم آن را مبتنی بر ادراک و تجربه‌های خود تفسیر می‌کنند؛ بنابراین دانش شخصی تابع تجربه‌های پیشین، ساختارهای ذهن و اعتقادات شخصی است که برای تفسیر اشیا و وقایع مورد استفاده قرار می‌گیرد. آنچه یک شخص می‌داند در ادراک از تجربه‌های فیزیکی و اجتماعی که به‌وسیلهٔ ذهن فهمیده می‌شود، ریشه دارد (جوناسون، ۱۹۹۱؛ به نقل از شیخی فینی، ۱۳۸۱: ۶۷).

نظریه‌های ویگوتسکی، روان‌شناس روسی دههٔ ۱۹۳۰، بیشترین اشتراک را با سازنده‌گرایی اجتماعی دارد. وی بر تأثیر اجتماعی و زبانی بر یادگیری بسیار تأکید دارد و از مدل اکتسابی یادگیری حمایت می‌کند. ویگوتسکی اظهار کرده است که یادگیری انسان ماهیت اجتماعی دارد؛ به عبارت دیگر تفکر خردمندانه یادگیرندگان از طریق تعامل بین افراد معتبر توسعه می‌یابد (فردانش و شیخی فینی، ۱۳۸۱: ۳۸۱).

از نتایج نظریه‌های ویگوتسکی می‌توان دریافت که تفکر خردمندانهٔ یادگیرندگان در مورد اشتغال در بخش صنعت از طریق تعامل با افراد معتبر (اساتید دانشگاه) توسعه می‌یابد و به علاقه‌مندی آن‌ها به اشتغال در مراکز دانشگاه‌ها و نداشتن اشتغال در بخش صنعت منجر خواهد شد.

دیویی نیز به عنوان نظریه‌پرداز سازنده‌گرایی اجتماعی در تعلیم و تربیت شناخته شده است. وی اظهار کرده است که انسان دانش را به صورت اجتماعی، ساخته و خلق می‌کند؛ نه آن گونه که عقل‌گرایان معتقدند انسان دانش را کشف کرده و برای او آشکار می‌شود. دیویی، مدرسه را جامعه‌ای دموکراتیک می‌داند؛ مکانی که دانش‌آموزان از طریق تجربه‌هایی که فقط به خود آن‌ها تعلق دارد، رشد می‌کنند، ولی در زمان با دیگران شریک‌اند و این به تدوین دانش و ارزش‌هایی منجر می‌شود که دیگران آن‌ها را می‌پذیرند (چای در ۲۰۰۰: ۱۰؛ به نقل از فردانش و شیخی فینی، ۱۳۸۱: ۱۳۸).

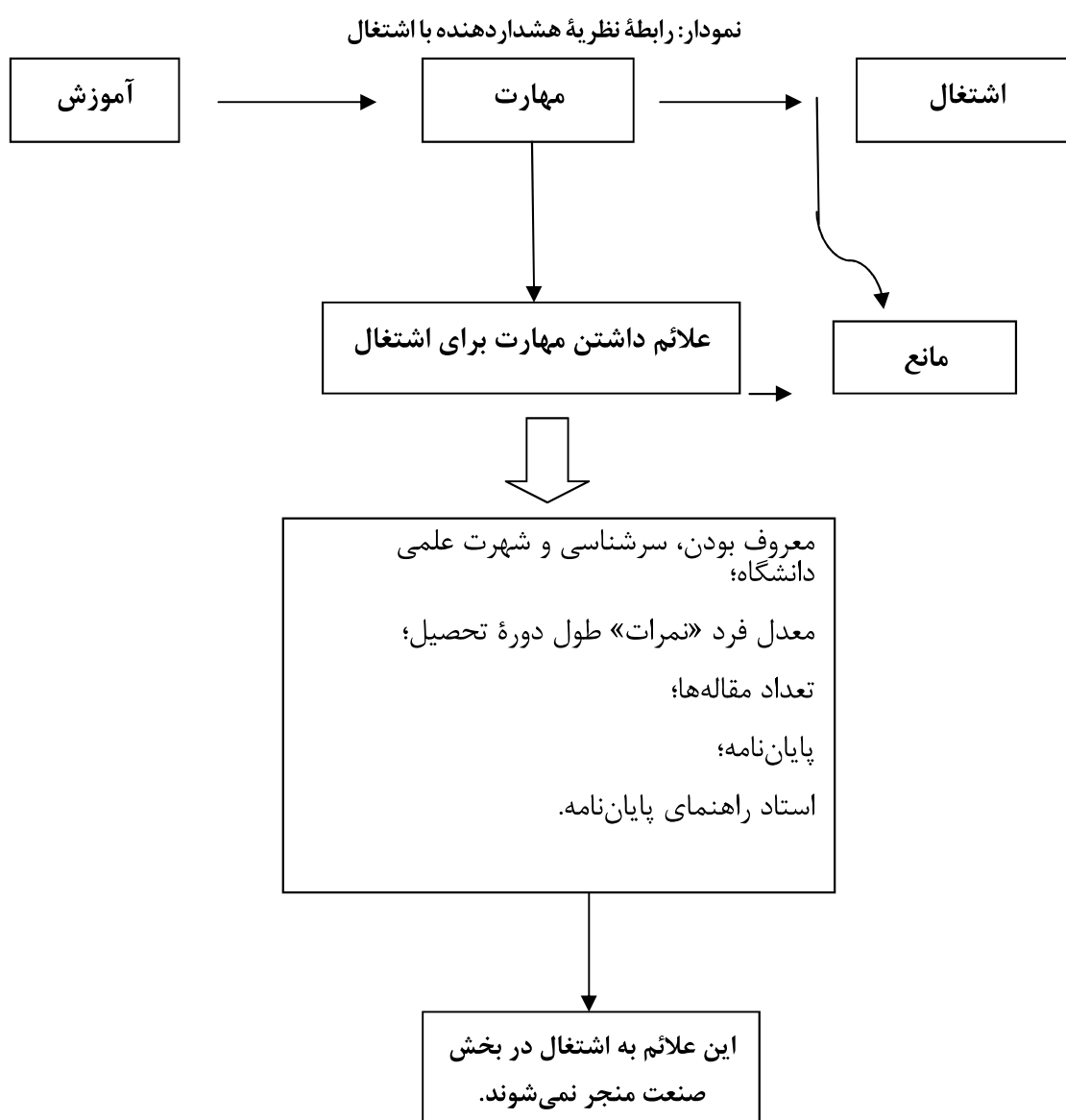
از تفکرات دیویی می‌توان برداشت کرد که این ساخت ارزش توسط افراد است که نشان می‌دهد چرا دانش‌آموختگان تمایلی به جذب از سوی دانشگاه را ندارند یا دارند.

دانشجویان در محیط دانشگاه و با دیدن واقعیت‌های محیط دانشگاه (زمینه) شروع به ساخت دانش، نگرش و بینش در مورد اشتغال در دانشگاه یا صنعت می‌کنند و در این میان، اساتید بیشترین نقش را برعهده دارند، زیرا رضایتمندی آن‌ها از شغل خود، بر نگرش دانشجویان تأثیر می‌گذارد.

■ نظریهٔ هشداردهنده

میزان و کیفیت آموزش، یکی از مهم‌ترین علائم و نشانه‌های کیفیت کاری فرد در اقتصاد معاصر و در بازار رقابتی اشتغال است (معدن‌دار آرائی. سرکار آرائی، ۱۳۸۸: ۸۴). مایکل اسپنس در اوایل دههٔ ۱۹۷۰ ادعا کرد که شرط تحقق یک مبادلهٔ اقتصادی، آگاهی اطلاعاتی کامل دو طرف از ویژگی‌های موضوع مورد معامله است که به آن «اطلاعات متقارن» یا «متناسب» می‌گویند. این اطلاعات و نشانه‌ها را «علائم هشداردهنده» می‌نامند که باعث می‌شود اطلاعات نامتقارن به اطلاعات متقارن تبدیل شوند. به عقیدهٔ اسپنس، علائم و نشانه‌ها چیزهایی نیستند که به رایگان در اختیار هر فردی

باشند. برای دستیابی به علائم و نشانه‌ها باید پول، انرژی و زمان، هزینه کرد. در نتیجه، یکی از شاخص‌های نشان‌دهنده کارگر (کارمند) توانا، میزان سرمایه‌گذاری او در نشانه‌ها و علائم است. به نظر اسپنس، آموزش یکی از مهم‌ترین علائم و نشانه‌های کیفیت کار فرد در اقتصاد معاصر است (معدن‌دار آرانی. سرکار آرانی، ۱۳۸۸: ۸۶-۸۵). وی معتقد است آموزش و علائم مرتبط با آن، مانند معروف بودن و سرشناسی و شهرت علمی دانشگاه، معدل لیسانس، نمرات بعضی از دروس، طول دوره تحصیل، می‌تواند باعث برتری یک فرد بر فرد دیگر شود (معدن‌دار آرانی. سرکار آرانی، ۱۳۸۸: ۸۵). پیروان نظریه علامت‌دهندگی معتقدند عامل برتری یک فرد بر فرد دیگر، میزان توانمندی حرفه‌ای فرد نیست بلکه مدت زمانی است که او عمرش را در نظام آموزشی سپری کرده است (معدن‌دار آرانی. سرکار آرانی، ۱۳۸۸). حال باید دید که آیا از دیدگاه دانشجویان تحصیلات تکمیلی مدارک تحصیلی آن‌ها و پایان‌نامه‌ها و مقالات آن‌ها علائم لازم را به کارفرمایان برای اشتغال آنان می‌دهد؟ در نمودار بعد، رابطه بین نظریه هشداردهنده با اشتغال ترسیم شده است.



سخن آخر

هریک از نظریه‌ها و دیدگاه‌های بیان شده، نشان دادند که اشتغال افراد به عوامل مختلفی بستگی دارد. بر اساس نظریهٔ سرمایهٔ انسانی، دوره‌های مختلف تحصیلی در فرد، مهارت‌ها، دانش، بینش و توانمندی‌هایی را ایجاد می‌کنند که در بازار برای آن‌ها تقاضا وجود دارد. این امر باعث می‌شود هرچه فرد آموزش بیشتری دریافت کند، فرصت‌های شغلی و درآمد بیشتری داشته باشد (معدن‌دار آرانی. سرکار آرانی، ۱۳۸۸: ۶۵).

براساس نتایج این مقاله به‌نظر می‌رسد برای مهارت، دانش و بینش و توانمندی دانش‌آموختگان کارشناسی ارشد و دکتری، در بازار کار مربوط به بخش‌های صنعتی تقاضای کمتری وجود دارد؛ برای همین این قشر به اشتغال در دانشگاه به‌جای اشتغال در صنعت، تمایل بیشتری دارند.

با توجه به نظریهٔ سرمایهٔ فرهنگی در مورد اشتغال دانش‌آموختگان تحصیلات تکمیلی می‌توان گفت درک بورديو از سرمایه، وسیع‌تر از معنای پولی سرمایه در اقتصاد است. وی سرمایه را منبعی عام می‌داند که می‌تواند شکل پولی و غیرپولی و همچنین ملموس و غیرملموس به خود گیرد؛ بنابراین هر منبعی است که در عرصهٔ خاصی اثر بگذارد و به فرد امکان دهد که سود خاصی را از طریق مشارکت در رقابت بر سر آن به‌دست آورد، سرمایه خوانده می‌شود (روحانی، ۱۳۸۸: ۱۲) که در این جا این سود خاص می‌تواند اشتغال برای فرد باشد.

سرمایهٔ فرهنگی هر فرد در میدان آموزشی یعنی مهارت در دستیابی به فرصت‌های آموزشی برای فرد است که این فرصت‌های آموزشی به دانش، مهارت و نگرش جدیدی برای فرد منجر می‌شود و این فرصت‌ها می‌تواند او را برای دنیای اشتغال آماده سازد. این مهارت در این جا همان مهارت‌های ارتباطی دانشجوی تحصیلات تکمیلی با استاد دارای شهرت علمی در نوشتن مقاله و پایان‌نامه است.

این مقاله نشان می‌دهد مهارت ارتباطی فرد در نوشتن مقاله یا پایان‌نامه، به یاد گرفتن مهارت، دانش و نگرش مورد نیاز در بخش صنعت منجر نمی‌شود که این امر را می‌توان ناشی از نداشتن آگاهی کافی برخی از اساتید از ضعف‌ها و قوت‌های بخش صنعت دانست.

بررسی نتایج پژوهش با توجه به دیدگاه کارکردی ساختی

یکی از دلایل بیکاری و جذب نشدن دانش‌آموختگان دانشگاهی در صنعت از دیدگاه دانشجویان را می‌توان «ارتباط نداشتن دانشگاه و صنعت» دانست. در دیدگاه ساختی کارکردی تالکوت پارسونز که در تحلیل نظام اجتماعی بیان شده، جامعهٔ کل از چهار نظام «نظام اقتصادی، نظام سیاسی، نظام اجتماعی و نظام فرهنگی» تشکیل شده است. هریک از این نظام‌ها هم از خرده‌نظام‌ها و نهادهای اجتماعی معینی تشکیل شده‌اند؛ نهادهایی مانند نهادهای صنعت و نهاد آموزش و پرورش (مانند دانشگاه) که به ترتیب به نظام‌های اقتصادی و فرهنگی جامعه تعلق دارند. پارسونز معتقد است هریک از این نظام‌ها، کارکرد و وظایف مخصوص به خود را برعهده دارند:

■ کارکرد نظام اقتصادی، تطبیق جامعه با موقعیتی است که در آن قرار گرفته است یعنی تطبیق جامعه با محیطش و تطبیق محیط با نیازهای جامعه.

■ کارکرد نظام سیاسی، دستیابی به هدف است. یک نظام باید هدف‌های اصلی‌اش را تعیین کند و بکوشد به آن‌ها دست یابد.

■ کارکرد نظام اجتماعی، ایجاد یکپارچگی و انسجام است و باید روابط متقابل اجزای سازنده‌اش را تنظیم کند.

■ کارکرد نظام فرهنگی، نگهداشت و حفظ الگوست. هر نظامی باید انگیزش‌های افراد و الگوهای فرهنگی آفریننده و نگهدارندهٔ این انگیزش‌ها را ایجاد، محافظت و بازآفرینی کند.

نکتهٔ مهم دیگر که پارسونز یادآوری می‌کند «تعادل کارکردی» و سعی در ایجاد و حفظ این تعادل در جامعه و در بین نظام‌های اجتماعی است. از این دیدگاه، هر نظام، نیازهای مشخصی از نیازهای جامعهٔ کل را پاسخ می‌دهد و نظام‌های مختلف جامعه هم نیازهای خود را از طریق دیگر نظام‌ها برآورده می‌کنند؛ بنابراین نظام‌های مختلف اجتماعی به‌طور متقابل به نیازهای یکدیگر پاسخ می‌دهند و همین امر پایهٔ ایجاد تعادل کارکردی در جامعهٔ کل را ایجاد می‌کند و باعث

می‌شود تا جامعه به صورت یک کل منسجم به حیات خود ادامه دهد. از دیدگاه پارسونز هر نظام اجتماعی و از جمله نظام اجتماعی کل یا جامعه، از خاصیت نظم و وابستگی متقابل اجزا برخوردار است؛ بنابراین در راستای ارتباط متقابل دو نظام اجتماعی «اقتصاد و فرهنگ» و به خصوص در شکل تعاملات میان دو نهاد متناظر آن‌ها یعنی «صنعت و دانشگاه»، باید از لزوم وجود روابط مناسب پس‌رونده و پیش‌رونده در بین آن‌ها سخن گفت و چنین ارتباطی را برای حفظ کارکرد و تعادل نظام اجتماعی کل نیز ضروری شمرد (فیوضات و تسلیمی تهرانی، ۱۳۸۶).

از آنچه گفته شد می‌توان نتیجه گرفت که سیاست‌های مرتبط با تعامل صنعت با دانشگاه نتوانسته ارتباط کافی بین صنعت با دانشگاه ایجاد کند و در نتیجه به بیکاری در بخش صنعت منجر شده است.

بررسی نتایج پژوهش با توجه به نظریه‌های سازنده‌گرایی

سازنده‌گرایان معتقدند، یادگیرندگان واقعیت خویش را می‌سازند یا دست‌کم آن را مبتنی بر ادراک و تجربه‌های خود تفسیر می‌کنند؛ بنابراین دانش شخصی تابع تجربه‌های پیشین، ساختارهای ذهن و اعتقادات شخصی است که برای تفسیر اشیا و وقایع مورد استفاده قرار می‌گیرد. آنچه یک شخص می‌داند، در ادراک از تجربه‌های فیزیکی و اجتماعی که به وسیله ذهن فهمیده می‌شود، ریشه دارد (جوناسون، ۱۹۹۱؛ به نقل از شیخی فینی، ۱۳۸۱: ۶۷).

نظریات ویگوتسکی، روان‌شناس روسی، در دهه ۱۹۳۰، بیشترین اشتراک را با سازنده‌گرایی اجتماعی دارد. وی بر تأثیر اجتماعی و زبانی بر یادگیری بسیار تأکید دارد، از مدل اکتسابی یادگیری حمایت می‌کند و می‌گوید: «یادگیری انسان ماهیت اجتماعی دارد؛ به عبارت دیگر، تفکر خردمندانه یادگیرندگان از طریق تعامل بین افراد معتبر توسعه می‌یابد» (فردانش، شیخی فینی، ۱۳۸۱).

این تفکر خردمندانه یادگیرندگان در مورد اشتغال (نگرش فردی کسب‌شده درباره اشتغال) در بخش صنعت از طریق تعامل بین افراد معتبر (اساتید دانشگاه) در نوشتن مقاله یا پایان‌نامه توسعه یافته و به ایجاد علاقه و اشتغال در بخش صنعت منجر خواهد شد. دانشجویان در محیط دانشگاه و با دیدن واقعیت‌های محیط همانند راحتی و آسانی کار (نداشتن فعالیت بدنی از دیدگاه دانشجویان) و تناسب مهارت‌ها با جنسیت و شرکت اساتید در همایش‌ها و کنفرانس‌های خارجی، شروع به ساخت دانش، نگرش و بینش در مورد اشتغال در دانشگاه یا صنعت می‌کنند و در این میان، اساتید بیشترین نقش را بر عهده دارند، زیرا میزان رضایت آن‌ها از شغل‌شان، بر نگرش دانشجویان تأثیر می‌گذارد.

بررسی ارتباط نتایج پژوهش، با توجه به نظریه هشداردهنده

نظریه هشداردهنده بر تأثیر نقص اطلاعاتی کارفرمایان (مدیران) در تصمیم‌گیری برای انتخاب تعداد محدودی کارگر (کارمند) از بین تعداد زیادی متقاضی تأکید می‌کند. برای رفع این مشکل و انتخاب بهینه، کارفرمایان ناچارند که نشانگرها (معیارها) و شاخص‌های گوناگون را به مثابه (نشانه‌های مناسب حرفه‌ای) در نظر بگیرند. میزان و کیفیت آموزش، یکی از مهم‌ترین علائم و نشانه‌های کیفیت کاری فرد در اقتصاد معاصر و در بازار رقابتی اشتغال است (معدن‌دار آرانی و سرکار آرانی، ۱۳۸۸: ۸۴)؛ اما آیا مقاله‌ها و پایان‌نامه‌های دانشجویان می‌تواند به اشتغال در صنعت منجر شود؟ به نظر می‌رسد که عنوان مقاله یا موضوع پایان‌نامه‌های دانش‌آموختگان مقطع کارشناسی ارشد و دکتری و اعتبار این مقاله‌ها و پایان‌نامه‌ها به اشتغال در بخش‌های صنعتی منجر نمی‌شود.

کتابنامه

۱. توسلی، غلام‌عباس (۱۳۹۰)، «جامعه‌شناسی کار و شغل»، تهران: انتشارات سمت.
۲. ریتزر، جورج (۱۳۸۹)، «نظریهٔ جامعه‌شناسی در دوران معاصر»، مترجم: محسن ثلاثی، تهران: انتشارات علمی.
۳. سیف، علی‌اکبر (۱۳۸۵)، «روان‌شناسی پرورشی»، مؤسسهٔ انتشارات آگاه.
۴. شارع‌پور، محمود (۱۳۹۰)، «جامعه‌شناسی آموزش و پرورش»، تهران: انتشارات سمت.
۵. شیخی، محمدتقی (۱۳۸۶)، «جامعه‌شناسی صنعتی»، انتشارات حریر.
۶. صالحی‌عمران، ابراهیم (۱۳۸۸)، «جامعه، کار و مشاغل؛ مروری بر مهارت‌های اشتغال‌زا در بازار کار»، تهران: انتشارات سمت.
۷. صبوری، منوچهری (۱۳۹۱)، «جامعه‌شناسی سازمان‌ها»، تهران: نشر شب‌تاب.
۸. صولتی، مهران (۱۳۹۰)، «جامعه‌شناسی سلطه»، تهران: انتشارات جامعه‌شناسان.
۹. فرجی، یوسف (۱۳۸۷)، «تئوری اقتصاد خرد»، تهران: شرکت چاپ و نشر بازرگانی.
۱۰. محسن‌پور، بهرام (۱۳۸۵)، «برنامه‌ریزی آموزشی»، انتشارات مدرسه.
۱۱. معدن‌دار آرانی، عباس و سرکار آرانی، محمدرضا (۱۳۸۸)، «آموزش و توسعه»، تهران: نشر نی.

مقالات

۱. آراسته، حمیدرضا و جاهد، حسینعلی (۱۳۸۹)، «نقش پارک‌ها و مراکز رشد علم و فناوری در تجاری‌سازی یافته‌های پژوهشی»، نشریهٔ صنعت و دانشگاه، سال دوم، شمارهٔ ۹ و ۱۰، ۳۵-۴۳.
۲. ابراهیمی، یزدان و فرجادی، غلامعلی (۱۳۸۸)، «آموزش عالی، مشوق رشد در اقتصادهای باز»، فصلنامهٔ پژوهش و برنامه‌ریزی آموزش عالی، شمارهٔ ۵۴، ۶۱-۴۹.
۳. ابراهیمیان، سیدحسین (۱۳۹۱)، «بازخوانی مفهوم مهندسی فرهنگی و آسیب‌شناسی فرهنگی در نظام آموزش عالی»، مطالعات قدرت نرم، شمارهٔ ۲ (۵)، ۱۵۰-۱۲۱.
۴. ابراهیمی‌قوام، صغری و حسین‌زاده یوسفی، غلامحسین (۱۳۸۶-۸۷)، «نظریهٔ سازنده‌گرایی و کاربرد آن در آموزش»، پژوهش آموزشی اطلاع‌رسانی مدارس، شمارهٔ ۴.
۵. اجتهادی، مصطفی و بهروزی، محمد (۱۳۸۵)، «توانایی‌ها و قابلیت‌های دانش‌آموختگان در پاسخ به نیاز بازار کار به منظور ارائهٔ چهارچوب ادراکی مناسب»، دانش و پژوهش در علوم تربیتی، شمارهٔ دهم و یازدهم، ۲۸-۱.
۶. اجتهادی، مصطفی و داوودی، رسول (۱۳۸۵)، «آسیب‌شناسی ساختار نظام آموزش عالی در اجرای برنامه‌های پنج‌سالهٔ توسعهٔ بخش آموزش عالی به منظور ارائهٔ راهبردهای مناسب»، دانش و پژوهش در علوم تربیتی، شمارهٔ پانزدهم، ۲۴-۱.
۷. آذر، عادل و عبدیان، مهدی (۱۳۸۰)، «طراحی مدل تصمیم‌گیری چند شاخصه با رویکرد AHP به منظور انتخاب بهینهٔ سیستم اربابهٔ فرود هواپیمای فجر ۳»، مدرس، دورهٔ ۵، شمارهٔ ۱، ۱۴۸-۱۲۹.
۸. اسماعیلی، میترا و یمنی‌دوزی سرخابی، محمد و حاجی‌حسینی، حجت‌الله و کیامنش، علیرضا (۱۳۹۰)، «وضعیت ارتباط دانشکده‌های فنی مهندسی دانشگاه‌های دولتی تهران با صنعت در چارچوب نظام ملی نوآوری»، فصلنامهٔ پژوهش و برنامه‌ریزی در آموزش عالی، شمارهٔ ۵۹، ۴۶-۲۷.
۹. اشتریان، کیومرث و امامی‌میدی، راضیه (۱۳۸۷)، «سیاست‌های انتقال فاوا: بررسی نقش دانش ضمنی»، فصلنامهٔ سیاست، مجلهٔ دانشکدهٔ حقوق و علوم سیاسی، دورهٔ ۳۸، شمارهٔ ۴، ۹۹-۱۱۲.
۱۰. آقازاده، سیدابراهیم و رضایی، اکبر و محمدزاده، علی (۱۳۸۸)، «رابطهٔ باورهای معرفت‌شناختی و انگیزشی دانشجویان دچار درگیری شناختی»، تازه‌های علوم شناختی، سال ۱۱، شمارهٔ ۴، ۷۴-۶۳.
۱۱. اکبری، رویا و موحدی، رضا و کوچکیان، حورا (۱۳۸۸)، «بررسی نگرش دانشجویان کشاورزی نسبت به اشتغال در بخش کشاورزی (مطالعهٔ موردی: دانشگاه بوعلی سینای همدان)»، پژوهش‌های ترویج و آموزش کشاورزی، سال دوم، شمارهٔ ۴، ۹۱-۱۰۲.

۱۲. الماسی، مجتبی و سهیلی، کیومرث و سپهبدان قره‌بابا، اصغر (۱۳۹۰)، «بررسی آثار سرمایه‌گذاری در آموزش عالی بر رشد اقتصادی ایران طی دوره ۱۳۸۴-۱۳۵۰»، پژوهشنامه علوم اقتصادی علمی پژوهشی، سال ۶، شماره ۱۱، ۱۳-۳۴.
۱۳. امین‌صاری، نوذر (۱۳۸۶)، «آسیب‌شناسی پژوهش در دافوس»، فصلنامه دانش انتظامی، سال ۱۰، شماره اول، ۷۹-۹۸.
۱۴. امین مظفری، فاروق و شمسی، لقمان (۱۳۹۰)، «بررسی روش‌ها و رویکردهای تجاری‌سازی تحقیقات دانشگاهی، مطالعه موردی دانشگاه تبریز»، فصلنامه علمی - پژوهشی سیاست علم و فناوری، سال سوم، شماره ۴، ۲۹-۱۵.
۱۵. انتظاری، بهزاد و جمالی، فیروز و حسین‌زاده دلیر، کریم (۱۳۸۶)، «درآمدی بر اثرات فضایی سیستم صنعتی فوردیزم در توسعه شهر و مکان‌یابی شهرک‌های صنعتی (مورد نمونه: منطقه شهری تبریز)»، پژوهش‌های جغرافیایی، شماره ۶۱، ۸۸-۸۳.
۱۶. انتظاری، یعقوب (۱۳۸۸)، «ارائه الگویی برای هماهنگ‌سازی آموزش عالی با تحولات مبتنی بر دانش در نظام اشتغال، برنامه پنجم توسعه اقتصادی اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران»، فصلنامه پژوهش و برنامه‌ریزی در آموزش عالی، شماره ۵۳، ۲۷-۱.
۱۷. انتظاری، یعقوب (۱۳۸۱)، «تحلیل تقاضای اقتصادی ایران برای دانش‌آموختگان آموزش عالی از چشم‌انداز اقتصاد مبتنی بر دانش»، سمینار ارائه نتایج طرح نیازسنجی نیروی انسانی کارشناس، ۲۱ و ۲۲ خرداد ۱۳۸۱، www.irphe.ir.
۱۸. انصاری، منصور و طاهرخانی، فاطمه (۱۳۸۹)، «بررسی نظریه "زبان و قدرت نمادین" پیر بوردیو»، فصلنامه پژوهش‌های سیاسی و بین‌المللی، سال اول، شماره ۳، ۶۵-۵۱.
۱۹. بابایی، رسول (۱۳۹۰)، «امکانات سیاسی در نظریه جامعه‌شناختی پیر بوردیو: تولید نظریه سیاسی»، فصلنامه سیاست، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دوره ۴۱، شماره ۳، ۵۶-۳۹.
۲۰. باصری، بیژن و جهانگرد، اسفندیار (۱۳۸۵)، «بررسی و تحلیل ظرفیت اشتغال‌زایی بخش کشاورزی»، اقتصاد کشاورزی و توسعه، سال ۱۵، شماره ۵۹، ۱۴۶-۱۱۹.
۲۱. بهرامی، محسن. طاعتی، مهکامه (۱۳۸۸)، «ارتباط دولت صنعت و دانشگاه: ایران افق ۱۴۰۴»، نشریه صنعت و دانشگاه، سال دوم، شماره ۵ و ۶، ۲۳، ۱۱.
۲۲. بهروزی، محمد (۱۳۸۸)، «ارائه مدلی مناسب برای پاسخ به نیازهای بازار کار از طریق ارتباط کارآمد صنعت و دانشگاه»، نشریه صنعت و دانشگاه، سال دوم، شماره ۳ و ۴، ۷۴-۶۳.
۲۳. تبرایی، محسن و قاسمی، میترا (۱۳۸۴)، «بررسی نگرش دانشجویان کشاورزی به اشتغال در مناطق روستایی و عوامل مؤثر بر آن (مطالعه موردی: دانشکده کشاورزی دانشگاه فردوسی مشهد در سال تحصیلی ۸۳-۱۳۸۲)»، مجله علوم کشاورزی و منابع طبیعی، سال سیزدهم، شماره دوم، ۱۴۳-۱۳۳.
۲۴. تصویری قمصری، فاطمه و جهان‌نما، محمدرضا (۱۳۸۶)، «بررسی وضعیت تولیدات علمی پژوهشگران پژوهشکده مهندسی در سال‌های ۱۳۸۴-۱۳۷۰»، کتابداری و اطلاع‌رسانی، جلد ۱۰، شماره ۲، ۱۲۴-۱۰۷.
۲۵. تلخایی، محمود (۱۳۹۰)، «مدیریت دانش (دیدگاه‌ها و مفاهیم کلیدی)»، رشد تکنولوژی آموزشی، شماره ۲، دوره ۲۷، ۲۱-۱۶.
۲۶. تلخایی علیشه، علیرضا؛ عباسی، رسول؛ لشکری، کبری و تلخایی علیشه، غلام‌رضا (۱۳۸۹)، «بررسی مهارت‌های ارتباطی در رفتار کلاسی معلمان و رابطه آن با درصد قبولی دانش‌آموزان دبیرستان‌های شهر تهران»، فصلنامه اندیشه‌های تازه در علوم تربیتی، سال پنجم، شماره ۳، ۴۲-۲۵.
۲۷. توفیقی، حمید (۱۳۸۱)، «تأثیر صادرات بر رشد اقتصادی ایران با تأکید بر صادرات خدمات فنی و مهندسی»، پژوهشنامه اقتصادی، ۷۳-۴۹.
۲۸. ثقه‌الاسلامی، (۱۳۸۹)، «آیا تاریخ مهندسی به فلسفه مهندسی نیاز دارد؟»، پژوهش‌های فلسفی، شماره ۱۷، ۹۷-۱۲۳.
۲۹. ثقه‌الاسلامی، (۱۳۸۸)، «نگاهی جامعه‌شناختی به رابطه میان مهندسی و جامعه»، پژوهش‌های فلسفی، شماره ۱۵، ۱۴۱-۱۶۲.

۳۰. جعفری، پریوش و دشمن‌زیاری، اسفندیار (۱۳۸۸)، «بررسی شیوه‌های مهارت‌آموزی در صنایع منتخب جهان به منظور ارائهٔ مدل مناسب برای صنعت خودروسازی ایران»، مجلهٔ پژوهش‌های مدیریت، شماره ۸۰، ۷۳-۶۲.
۳۱. جمشیدی‌ها، غلامرضا و پرستش، شهرام (۱۳۸۶)، «دیالکتیک منش و میدان در نظریهٔ عمل پیر بوردیو»، پژوهشنامهٔ علوم اجتماعی، شماره ۳۰، ۱-۳۲.
۳۲. حائری‌زاده، سیدعلی؛ اصغری‌پور، ماسوله؛ احمدرضا؛ نوغانی، محسن و میرانوری، سیدعلیرضا (۱۳۸۸)، «بررسی تأثیر روابط اجتماعی استاد دانشجو بر موفقیت تحصیلی دانشجویان»، مجلهٔ علوم اجتماعی دانشکدهٔ ادبیات و علوم انسانی دانشگاه فردوسی مشهد، ۲۷-۵۱.
۳۳. حائری یزدی، محمدرضا و هودگسون، بوب (۱۳۸۵)، «پارک‌های علمی، انتظارات الگوها و دستاوردها (ساخت و مدیریت بر هیئت مؤسسين: نیازمندی‌ها و تجربیات)»، رشد فناوری فصلنامهٔ تخصصی پارک‌ها و مراکز رشد، شماره ۲، ۲۶-۳۵.
۳۴. حسینی، میرزا حسن و رحمانی، زین‌العابدین. حبیبی، فتنه (۱۳۸۸)، «شناسایی و اولویت‌بندی شاخص‌های تناسب شغل و شاغل در جذب نیروی انسانی کارشناس»، مجلهٔ مدیریت توسعه و تحول، شماره ۳، ۳۴-۲۵.
۳۵. حشمت‌الواعظین، سیدمهدی و قنبری، سجاد (۱۳۸۷)، «عرضه و تقاضای ملی دانش‌آموختگان منابع طبیعی، تنگناها و راهکارها»، پژوهش و سازندگی در منابع طبیعی، شماره ۸۰، ۱۹۵-۱۸۵.
۳۶. حمیدی‌زاده، محمدرضا و شریفی، روح‌الله (۱۳۸۶)، «الگوی رویکرد تخصصی در تعاملات دانشگاه با صنعت: ضرورت‌ها و چالش‌های بخش‌بندی بازار»، مجلهٔ صنعت و دانشگاه، سال اول، شماره ۱، ۲۵-۱۳.
۳۷. حیدرزادگان، علیرضا و مرزوقی، رحمت‌الله و جهانی، جعفر (۱۳۸۶)، «بررسی تأثیر سازنده‌گرایی اجتماعی بر عملکرد دانش‌آموزان پایهٔ سوم دورهٔ راهنمایی در درس علوم در شهر زاهدان»، فصلنامهٔ مطالعات برنامهٔ درسی، شماره ۲، ۱۹-۱.
۳۸. خانی‌ها، نسرین و قورچی، مرتضی (۱۳۸۸)، «جهانی شدن، اقتصاد پساوردیسم و تنگه‌های بین‌المللی»، فصلنامهٔ بین‌المللی روابط خارجی، سال اول، شمارهٔ اول، ۲۵۶-۲۲۷.
۳۹. خسروجردی، محمد (۱۳۸۷)، «معرفت‌شناسی و رفتار اطلاع‌جویی: نتایج یک پژوهش کمی»، علوم و فناوری اطلاعات، شماره ۲۴ (۲)، ۴۸-۲۹.
۴۰. خسروی‌پور، بهمن و منجم‌زاده، زهره (۱۳۹۰)، «دیدگاه دانشجویان تحصیلات تکمیلی دانشگاه کشاورزی و منابع طبیعی رامین در خصوص عوامل و موانع مؤثر در کارآفرینی و اشتغال دانش‌آموختگان کشاورزی»، مجلهٔ تحقیقات اقتصاد و توسعهٔ کشاورزی ایران، دوره ۲-۴۲، شماره ۱، ۱۱۶-۱۰۵.
۴۱. خلیلی عراقی، سیدمنصور و سوری، علی (۱۳۸۳)، «تغییرات اشتغال برحسب تحصیلات شاغلان و عوامل مؤثر بر آن»، پژوهش و برنامه‌ریزی در آموزش عالی، شماره ۱۰، ۶۰-۳۱.
۴۲. ذاکر صالحی، غلامرضا (۱۳۸۸)، «محیط پژوهش در ایران و پیشنهاد اهداف و سیاست‌های پژوهش در برنامهٔ پنجم توسعهٔ کشور»، فصلنامهٔ پژوهش و برنامه‌ریزی در آموزش عالی، شماره ۵۳، ۷۸-۵۱.
۴۳. رزمی، جعفر؛ ربانی، مسعود؛ رضایی، کامران و کرباسیان، سعید (۱۳۸۳)، «ارائهٔ یک مدل پشتیبانی تصمیم‌گیری جهت برنامه‌ریزی، ارزیابی انتخاب تأمین‌کنندگان»، نشریهٔ دانشکدهٔ فنی، جلد ۳۸، شماره ۵، ۷۰۸-۶۹۳.
۴۴. رضائی، اکبر (۱۳۸۸)، «نقش باورهای معرفت‌شناختی، سبک‌های تفکر، راهبردهای یادگیری و عملکرد تحصیلی دانشجویان»، فصلنامهٔ علمی پژوهشی روانشناسی دانشگاه تبریز، سال چهارم، شماره ۱۶، ۲۰۲-۱۸۸.
۴۵. رضایی، ریتا و حسینی، سیدجلیل و ولایی، ناصر (۱۳۷۹)، «عملکرد مهارت ارتباطی پزشکان با بیماران و نگرش پزشکان نسبت به آن، شیراز سال ۱۳۷۸»، فصلنامهٔ علمی پژوهشی فیض، شماره ۱۶، ۲۶-۱۹.
۴۶. رمضان‌پور، اسماعیل (۱۳۸۴)، «جهانی شدن اقتصاد و اثرات آن بر اشتغال»، تحقیقات اقتصادی، شماره ۶۸، ۱۷۸-۱۵۵.
۴۷. رنانی، محسن و شجری، هوشنگ و اربابیان، شیرین (۱۳۸۶)، «انعطاف‌پذیری نیروی کار و رقابت‌پذیری صنایع در اقتصاد جهانی»، پژوهشنامهٔ اقتصادی، شماره ۳ ویژه‌نامهٔ بازار کار، ۱۲۰-۹۵.
۴۸. روحانی، حسن (۱۳۸۸)، «درآمدی بر سرمایه‌فرهنگی»، فصلنامهٔ راهبرد، سال ۱۸، شماره ۵۳، ۳۵-۷.
۴۹. زارع، حسین (۱۳۸۴)، «بررسی علل نپیوستن دانش‌آموختگان تحصیلات تکمیلی به عضویت در هیئت‌علمی دانشگاه پیام‌نور»، پیک نور، سال ۶، شماره ۳، ۱۰۹-۹۴.

۵۰. زمانی، زهرا (۱۳۹۰)، «تعیین وضعیت دانش ضمنی و تصریحی معلمان دوره راهنمایی از نظریه‌های یادگیری در فرایند تدریس و تاثیر عوامل جمعیت شناختی بر آن»، فصلنامه نوآوری‌های آموزشی، شماره ۴۳، سال ۱۱، ص ۱۶۲-۱۳۹.
۵۱. سفیری، خدیجه. آراسته، راضیه. موسوی، مرضیه (۱۳۸۹)، «تبیین رابطه میزان سرمایه فرهنگی زنان شاغل با نوع روابط همسران در خانواده»، زن در توسعه (پژوهش زنان)، دوره ۸، شماره ۱، ۲۹-۷.
۵۲. سلیمی، قاسم، (۱۳۹۰)، «ارتباط مدیریت دانش و ساختار سازمانی (رهیافتی برای مفهوم سازی و توسعه مدیریت دانش در مدارس کشور)»، رشد تکنولوژی آموزشی، شماره ۳، دوره ۲۷، ۱۵-۱۲.
۵۳. سلیمی، قاسم، (۱۳۹۰)، «واژگان مدیریت دانش»، رشد تکنولوژی آموزشی، شماره ۴، دوره ۲۷، ۱۳-۱۰.
۵۴. سیف، دیبا و مرزوقی، رحمت‌الله (۱۳۸۷)، «رابطه ابعاد باورهای معرفت‌شناختی و خودکارآمدی با عملکرد تحصیلی دانش‌آموزان مقطع راهنمایی در درس علوم تجربی»، دو ماهنامه علمی پژوهشی دانشگاه شاهد، سال پانزدهم، دوره جدید شماره ۲۳، ۱۳-۱.
۵۵. سیف‌الدین، امیرعلی و سلیمی، محمدحسین و سیداصفهان، میرمهدی (۱۳۸۷)، «چالش‌های پیش روی سیاستگذاری علم و فناوری»، نشریه بین‌المللی مهندسی صنایع و مدیریت تولید دانشگاه علم و صنعت، جلد ۱۹، شماره ۴، ۱۵-۱.
۵۶. شارع‌پور، محمود و فاضلی، محمد و صالحی، صادق (۱۳۸۰)، «بررسی شاخص‌های کیفیت در آموزش عالی بر مبنای تحلیل شایستگی‌های کانونی»، نامه علوم اجتماعی، شماره ۹، ۸۸-۶۳.
۵۷. شاه‌آبادی، ابوالفضل و. رحمانی، امید (۱۳۸۹)، «بررسی نقش تحقیق و توسعه بر بهره‌وری بخش صنعت اقتصاد ایران»، رشد فناوری فصلنامه تخصصی پارک‌ها و مراکز رشد، سال هفتم، شماره ۲۵، ۵۶-۴۵.
۵۸. شاهوردیانی، شادی (۱۳۸۸)، «بررسی تأثیر عوامل محیطی بر ایجاد و توسعه مراکز رشد دانشگاه‌ها: رهیافتی نو بر دانشگاه کارآفرین و ارتباط بین صنعت و دانشگاه»، نشریه صنعت و دانشگاه، سال ۳، شماره ۷ و ۸، ۵۶-۴۵.
۵۹. شجاعی دیوکلانی، سیدحسین (۱۳۸۹)، «پیامدهای جنگ جهانی دوم بر سیاست صنعتی سازی در تاریخ ایران»، شماره ۶۵/۵، ۹۱-۷۱.
۶۰. شریف‌زاده، ابوالقاسم؛ اسدی، علی؛ مختارنیا، محمد؛ عبدالله‌زاده، غلامحسین و شریفی، مهنوش (۱۳۸۸)، «شناسایی و اولویت‌بندی جهت‌گیری راهبردی بهسازی نظام تحقیقات کشاورزی کشور»، مجله تحقیقات اقتصاد و توسعه کشاورزی ایران، دوره ۲-۴۰، شماره ۴، ۱۲۹-۱۱۹.
۶۱. شصتی، سمانه (۱۳۸۹)، «آموزش مبتنی بر شایستگی»، مجله راهبردهای آموزش، دوره ۳، شماره ۲، ۸۰-۷۷.
۶۲. شعبانی ورکی، بختیار. حسین قلی‌زاده، رضوان (۱۳۸۶)، «تحول باورهای معرفت‌شناختی دانشجویان»، دو ماهنامه علمی پژوهشی دانشگاه شاهد، سال چهارم، دوره جدید شماره ۲۴، ۳۷-۲۳.
۶۳. شفیع‌آبادی، عبدالله (۱۳۹۰)، «دانشگاه کارآفرینی و توسعه صنعتی»، فصلنامه فرهنگ مشاوره و روان‌درمانی، سال دوم، شماره ۵، ۱۴۷-۱۳۷.
۶۴. شفیع، مسعود و یزدانیان، وحید (۱۳۸۸)، «ارتباط صنعت و دانشگاه از نظر اجرایی شدن اصل ۴۴ قانون اساسی»، نشریه صنعت و دانشگاه، سال دوم، شماره ۳ و ۴، ۷۴-۶۵.
۶۵. شکیبایی، زهره و قورچیان، نادرقلی و خلخالی، علی (۱۳۸۸)، «ارائه مدلی برای ایجاد دانشگاه پژوهشی در نظام آموزش عالی»، فصلنامه رهبری و مدیریت آموزشی دانشگاه آزاد اسلامی واحد گرمسار، سال سوم، شماره ۳، ۶۹-۸۳.
۶۶. شهبازی، اسماعیل و علی‌بیگی، امیرحسین (۱۳۸۵)، «واکاوی شایستگی‌های دانش‌آموختگان کشاورزی برای ورود به بازارهای کار در کشاورزی»، علوم ترویج و آموزش کشاورزی، جلد ۲، شماره ۱، ۲۴-۱۵.
۶۷. شیخی‌فینی، علی‌اکبر (۱۳۸۱)، «تبیین و ارزیابی دیدگاه سازنده‌گرایی»، تازه‌های علوم شناختی، سال ۴، شماره ۳، ۷۳-۶۵.
۶۸. شیر، مرتضی و زلفی‌گل، محمدعلی (۱۳۸۹)، «مراکز تحقیق و توسعه: پل موفق بین دانشگاه و صنعت»، فصلنامه نشاء علم، سال اول، شماره ۱، ۳۵-۳۰.
۶۹. صادقی‌شاهدانی، مهدی و مقصودی، حمیدرضا (۱۳۸۹)، «سنجش سرمایه اجتماعی استان‌های کشور با استفاده از روش تحلیل سلسله‌مراتبی»، دانش سیاسی، سال ششم، شماره دوم، ۱۳۹-۱۷۶.

۷۰. صالحی عمران، ابراهیم (۱۳۸۳)، «دیدگاه‌های نظری توسعه آموزش عالی»، دو ماهنامه علمی پژوهشی دانشگاه شاهد، سال ۱۱، دوره جدید، شماره ۵، ۳۵-۳۰.
۷۱. صالحی عمران، ابراهیم (۱۳۸۵)، «بررسی نگرش اعضای هیئت علمی نسبت به علل مهاجرت نخبگان به خارج از کشور (مورد مطالعه: دانشگاه مازندران)»، پژوهشنامه علوم اجتماعی، شماره ۲۸، ۶۸-۵۵.
۷۲. صالحی عمران، ابراهیم (۱۳۸۵)، «وضعیت اشتغال دانش‌آموختگان زن، مطالعه موردی»، پژوهش و برنامه‌ریزی در آموزش عالی، شماره ۱۲، ۶۰-۴۱.
۷۳. صالحی عمران، ابراهیم (۱۳۸۹)، «رویکردهای نظری در برنامه‌های درسی آموزش صنعتی»، فصلنامه مطالعات برنامه درسی ایران، سال ۵، شماره ۱۹، ۴۲-۸.
۷۴. صامتی، مجید و سامتی، مرتضی و اصغری، مریم (۱۳۸۲)، «اولویت‌های توسعه بخش صنعت استان اصفهان براساس روش و فرایند تحلیل سلسله‌مراتبی (AHP)»، فصلنامه پژوهشنامه بازرگانی، شماره ۲۷، ۹۰-۵۹.
۷۵. ضیغمی محمدی، شراره و حقیقی، سولماز (۱۳۸۸)، «بررسی رابطه به کارگیری مهارت‌های ارتباطی با ارتباط و همکاری میان پرستاران و پزشکان بیمارستان تأمین اجتماعی البرز کرج در سال ۱۳۸۷»، مجله علوم پزشکی دانشگاه آزاد اسلامی، دوره ۱۹، شماره ۲، ۱۲۷-۱۲۱.
۷۶. عبدالملکی، جمال؛ یوسفی افراشته، مجید؛ پیرمحمدی، مهرداد؛ سبک‌رو، مهدی و محمدی، انوشیروان (۱۳۸۷)، «بررسی رابطه مهارت‌های کارآفرینی با کارآفرینی سازمانی (مطالعه موردی: مدیران میانی شرکت ایران خودرو)»، توسعه کارآفرینی، سال اول، شماره دوم، ۱۲۹-۱۰۳.
۷۷. عزیزی، نعمت‌الله (۱۳۸۲)، «آموزش و پرورش و بازار کار: آماده‌سازی جوانان با صلاحیت‌ها و مهارت‌های اساسی»، مجله علوم اجتماعی و انسانی دانشگاه شیراز، دوره بیستم، شماره اول، ۷۰-۵۸.
۷۸. علائی، علی (۱۳۸۹)، «افزایش تعداد پذیرفته‌شدگان رشته مهندسی معماری و تبعات آن»، صفا، شماره ۲۰، ۴۸-۴۱.
۷۹. علمی، محمود (۱۳۸۸)، «گرایش‌ها و اولویت‌های ارزشی دانشجویان و رابطه آن با طبقه اجتماعی»، جامعه‌شناسی کاربردی، سال ۲۰، شماره پیاپی (۳۴)، شماره ۲، ۱۳۲-۱۰۷.
۸۰. علمی، زهرا (میلاد) و جمشیدنژاد، امیر (۱۳۸۶)، «اثر آموزش بر رشد اقتصادی ایران در سال‌های ۱۳۸۲-۱۳۵۰»، پژوهشنامه علوم انسانی و اجتماعی ویژه اقتصاد، سال ۷، شماره ۲۶، ۱۵۴-۱۳۵.
۸۱. علوی مقدم، سیدمحمد رضا و مکنون، رضا و طاهر شمسی، احمد (۱۳۸۷)، «ارتقای آموزش و پژوهش مهندسی در راستای توسعه پایدار؛ راهبردها»، مجله فناوری و آموزش، سال دوم، جلد ۲، شماره ۳، ۱۷۳-۱۶۷.
۸۲. علی بیگی، امیر حسین و بارانی، شهرزاد (۱۳۸۹)، «اشتغال‌پذیری رشته‌های کشاورزی از دیدگاه دانشجویان»، تعاون، سال ۲۱ دوره جدید، شماره ۲، ۴۸-۲۱.
۸۳. علیخانی، علی‌اکبر (۱۳۸۸)، «شیوه‌های تحول و بهبود آموزش عالی و پژوهش در ایران با تحلیلی بر برخی مطالعات انجام‌شده»، فصلنامه انجمن آموزش عالی ایران، سال سوم، شماره ۱، ۳۱-۱.
۸۴. عمادزاده، مصطفی؛ دلالی اصفهانی، رحیم؛ صمدی، سعید و محمدی، فرزانه (۱۳۸۸)، «اثر کیفیت نیروی کار بر رشد اقتصادی در منتخبی از کشورها»، فصلنامه اقتصادی مقداری (بررسی‌های اقتصادی سابق)، دوره ۶، شماره ۱، صفحه ۲۶-۱.
۸۵. فائز، علی و شهابی، علی (۱۳۸۹)، «رزیابی و اولویت‌بندی موانع ارتباط دانشگاه و صنعت: مطالعه موردی شهرستان سمنان»، فصلنامه رهبری و مدیریت آموزشی دانشگاه آزاد اسلامی واحد گرمسار، سال چهارم، شماره ۲، ۹۷-۱۲۴.
۸۶. فراستخواه، مقصود (۱۳۸۷)، «آینده‌اندیشی درباره کیفیت آموزش عالی ایران، مدلی برآمده از نظریه مبنایی GT» فصلنامه پژوهش و برنامه‌ریزی در آموزش عالی، شماره ۵، ۹۵-۶۷.
۸۷. فرجادی، غلامعلی و ریاحی، پریسا (۱۳۸۶)، «بررسی بازار محلی پارک‌های علم و فناوری ایران»، فصلنامه پژوهش و برنامه‌ریزی در آموزش عالی، شماره ۴۴، ۴۹-۲۱.
۸۸. فلاح، حسن و جهانباز، احمد (۱۳۹۰)، «رأی روشی برای اولویت‌بندی و بودجه‌بندی موضوع‌های تحقیقاتی با هدف توسعه فعالیت‌های اقتصادی»، فصلنامه علمی پژوهشی سیاست علم و فناوری، سال ۳، شماره ۳، ۹۲-۷۹.

۸۹. فعلی، سعید و پزشکی راد، غلامرضا و. چیذری، محمد (۱۳۸۵)، «بررسی عوامل مؤثر بر مشارکت دانشجویان در فعالیت‌های پژوهشی و تولید علم»، فصلنامه پژوهش و برنامه‌ریزی در آموزش عالی، شماره ۴۴، ۱۰۷-۹۳.
۹۰. فنی، زهره (۱۳۹۰)، «زنان در بازار کار شهری؛ مطالعه تطبیقی شهرهای تهران و مونترال»، مطالعات و پژوهش‌های شهری و منطقه‌ای، سال سوم، شماره ۱۱، ۷۴-۵۷.
۹۱. فیض، مهدی (۱۳۸۹)، «الزامات آموزش مهندسی در توسعه فناوری»، فصلنامه توسعه تکنولوژی صنعتی، شماره ۱۳، ۱۸-۵.
۹۲. فیوضات، ابراهیم و تسلیمی تهرانی، رضا (۱۳۸۶)، «بررسی جامعه‌شناختی رابطه دانشگاه و صنعت در ایران امروز»، پژوهشنامه علوم انسانی، شماره ۵۳، ۲۸۸-۲.
۹۳. قاسمی، علیرضا (۱۳۸۷)، «چارچوب نظری سنجش کیفیت آموزش رشته‌های مهندسی در دانشگاه‌های آزاد اسلامی منطقه یک»، دانش و پژوهش در علوم تربیتی برنامه‌ریزی درسی (دانشگاه آزاد اسلامی واحد خوراسگان (اصفهان))، شماره ۲۰، ۷۲-۴۹.
۹۴. قاسمی‌زاد، علیرضا (۱۳۸۷)، «چارچوب نظری سنجش کیفیت آموزش رشته‌های مهندسی در دانشگاه‌های آزاد اسلامی منطقه یک»، دانش و پژوهش در علوم تربیتی برنامه‌ریزی درسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد خوراسگان، شماره ۲۰، ۷۲-۴۹.
۹۵. قدیمی، اکرم و منوچهری قشقائی، آریتا و قاسمی، مهری (۱۳۸۶)، «وضعیت زنان در دوره‌های تحصیلات تکمیلی و آثار آن را بر اشتغال آنان»، مجله علمی و پژوهشی مطالعات زنان، سال اول، شماره ۳، ۱۷۸-۱۴۸.
۹۶. قربانی‌زاده، وجه‌الله و خالقی‌نیا، شیرین (۱۳۸۸)، «نقش انتقال دانش ضمنی در توانمندسازی کارکنان»، فصلنامه پژوهش‌های مدیریت منابع انسانی دانشگاه جامع امام حسین (ع)، سال اول، شماره ۲، ۱۰۵-۸۵.
۹۷. قنبری زرنندی، زهرا و غفاری مجلج، محمد و هاشمی رزینی، سعدالله (۱۳۸۸)، «رابطه هوش هیجانی و باورهای معرفت‌شناختی با خلاقیت»، فصلنامه روان‌شناسی تربیتی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تنکابن، سال اول، شماره ۱، ۷۷-۶۱.
۹۸. قوامی، هادی و لطفعلی‌پور، محمدرضا (۱۳۸۷)، «بررسی عوامل مؤثر بر انتخاب کارآفرینی در مقایسه دستمزدی دانش‌آموختگان: مطالعه موردی دانشگاه فردوسی مشهد»، مجله دانش و توسعه (علمی پژوهشی)، سال ۱۵، شماره ۲۴، ۱۸۹-۱۶۹.
۹۹. کریمی، سعید (۱۳۸۳)، «خصوصی‌سازی، اندازه دولت و اشتغال در جمهوری اسلامی ایران»، پژوهشنامه علوم انسانی و اجتماعی، سال چهارم، شماره ۱۳، ۱۲۹-۱۰۵.
۱۰۰. کمیجایی، اکبر و معمارنژاد، عباس (۱۳۸۳)، «اهمیت کیفیت نیروی انسانی و R&D (تحقیق و توسعه) در رشد اقتصادی ایران»، فصلنامه پژوهشنامه بازرگانی، شماره ۳۱، ۳۱-۱.
۱۰۱. کهن، امیرحسین و شعبانی ورکی، بختیار و رحیم‌نیا، فریبرز (۱۳۸۸)، «باورهای معرفت‌شناختی مدیران و نگرش آن‌ها در خصوص برنامه‌ریزی استراتژیک در آموزش عالی (دانشگاه‌های شمال شرق ایران)»، فصلنامه پژوهش و برنامه‌ریزی در آموزش عالی، شماره ۵۱، ۵۰-۲۷.
۱۰۲. گرجی، ابراهیم و علیپوریان، معصومه و سرمدی، حسین (۱۳۸۹)، «تأثیر جهانی شدن اقتصاد بر اشتغال در ایران (و برخی کشورهای در حال توسعه)»، مجله دانش و توسعه (علمی پژوهشی)، سال هفدهم، شماره ۳۲، ۱۲۷-۱۱۱.
۱۰۳. متجدی، علی‌اکبر (۱۳۸۹)، «ضرورت تحول در نظام آموزش عالی کشور جهت توسعه فناوری ملی و ارتباط با صنعت»، نشریه صنعت و دانشگاه، سال دوم، شماره ۹ و ۱۰، ۶۱-۵۵.
۱۰۴. محمدی، رضا و صباغیان، زهرا و صالح صادق‌پور، بهرام (۱۳۸۴)، «علل انگیزش معلمان دوره ابتدایی استان کردستان به تحصیل در آموزش عالی»، فصلنامه پژوهش و برنامه‌ریزی در آموزش عالی، شماره ۳۸ و ۳۷، ۷۳-۵۳.
۱۰۵. مدهوشی، مهرداد و زالی، محمدرضا و نجیمی، نسیم (۱۳۸۸)، «تشکیل خانه کیفیت در نظام آموزش عالی (مطالعه موردی: مقطع دکتری مدیریت دانشگاه‌های دولتی)»، فصلنامه پژوهش و برنامه‌ریزی در آموزش عالی، شماره ۵۱، ۱۵۴-۱۲۱.
۱۰۶. مشیری، سعید و التجائی، ابراهیم (۱۳۸۷)، «اثر تغییرات ساختاری بر رشد اقتصادی کشورهای صنعتی‌شده»، فصلنامه پژوهش‌های اقتصادی ایران، سال ۱۲، شماره ۳۶، ۱۱۳-۸۵.

۱۰۷. مطهری‌نژاد، حسن؛ قوچیان، نادرقلی؛ جعفری، پیوش و یعقوبی، محمود (۱۳۹۱)، «هدف‌های آموزش مهندسی»، نشریهٔ علمی پژوهشی فناوری آموزش، سال ششم، جلد ۶، شماره ۴، ۲۶۷-۲۶۷.
۱۰۸. معصوم‌زاده، سیدمحسن و تراب‌زاده، اقدس (۱۳۸۳)، «رتبه‌بندی تولیدات صنعتی کشور»، فصلنامهٔ پژوهشنامهٔ بازرگانی، شماره ۳۰، ۸۱-۶۷.
۱۰۹. ملک‌زاده، غلام‌رضا (۱۳۸۴)، «ارزیابی موفقیت عملکرد مراکز رشد و پارک‌های علم و فناوری»، رشد و فناوری فصلنامهٔ تخصصی مراکز رشد، شماره ۳، ۲۶-۲۰.
۱۱۰. ممتاز، فریده (۱۳۸۳)، «معرفی مفهوم طبقه از دیدگاه بورديو»، پژوهشنامهٔ علوم انسانی، شماره (۴۲-۴۱)، ۱۶۰-۱۴۹.
۱۱۱. موعلی، علیرضا (۱۳۸۵)، «نقش عوامل حیاتی موفقیت مدیریت دانش در کسب مزیت رقابتی»، پیک نور، سال ۶، شماره اول، ۱۰۶-۸۲.
۱۱۲. مؤمنی مهمویی، حسین و. کرمی، مرتضی و مشهدی، علی (۱۳۹۱)، «بررسی میزان آموزش مهارت‌های اشتغال‌زای مورد نیاز بازار کار در برنامه‌های درسی کارشناسی ناپیوستهٔ حسابداری، مهندسی عمران و صنایع غذایی»، روان‌شناسی تربیتی، سال ۹، دورهٔ دوم، شماره ۷ (پیاپی ۳۴)، ۸۰-۶۵.
۱۱۳. مهدی، رضا؛ یمنی‌دوزی سرخانی، محمد؛ صباغیان، زهرا و فاطمی، حسن (۱۳۸۸)، «طراحی استراتژی‌های اصلی پژوهش و تولید علم در گروه فنی مهندسی کشور»، آموزش عالی ایران، شماره ۲، ۹۴-۵۹.
۱۱۴. مهدی، رضا؛ یمنی‌دوزی سرخانی، محمد؛ صباغیان، زهرا؛ فاطمی، حسن و متحدی، علی‌اکبر (۱۳۸۸)، «تحلیل وضعیت راهبردهای پژوهش و تولید علم در علوم مهندسی و فناوری»، فصلنامهٔ علمی پژوهشی سیاست علم و فناوری، سال دوم، شماره ۲، ۱۱۱-۹۷.
۱۱۵. مهرعلی‌زاده، یدالله و آرمن، سیدعزیز (۱۳۸۶)، «بررسی بازار کار دانش‌آموختگان مقطع کارشناسی در دانشگاه‌های دولتی ایران»، دو ماهنامهٔ علمی پژوهشی دانشور رفتار، سال چهاردهم، دورهٔ جدید، شماره ۲۶، ۸۶-۷۳.
۱۱۶. میرزایی ملامحمد، رحیم؛ شامخی، تقی؛ نائلی، محمدعلی؛ زاهدی، قوام‌الدین و جزیره‌ای، محمدحسین (۱۳۸۵)، «رابطهٔ آموزش عالی و کارایی و اشتغال دانش‌آموختگان: دیدگاه استادان، مدیران و دانش‌آموختگان بررسی موردی جنگل»، پژوهش و سازندگی در منابع طبیعی، شماره ۷۳، ۲۶-۱۱.
۱۱۷. میرزایی، حسین و آقاجانی، حبیب (۱۳۸۸)، «تحلیلی بر تأثیر جهانی شدن بر بازار کار»، فراسوی مدیریت، سال سوم، شماره ۱۰، ۲۴۱-۲۱۹.
۱۱۸. میرکمالی، سیدمحمد و نارنجی‌ثانی، فاطمه (۱۳۸۷)، «بررسی رابطهٔ کیفیت زندگی کاری و رضایت شغلی بین اعضای هیأت‌علمی دانشگاه‌های تهران و صنعتی شریف»، فصلنامهٔ پژوهش و برنامه‌ریزی در آموزش عالی، شماره ۴۸، ۷۱-۱۰۱.
۱۱۹. نصیبیان، شهریار و قویدل، صالح (۱۳۸۸)، «پیش‌بینی سهم اشتغال بخش‌های عمدهٔ اقتصادی کشور در چشم‌انداز ۱۴۰۴»، فصلنامهٔ علوم اقتصادی، سال اول، شماره ۴، ۲۳-۹.
۱۲۰. نواح، عبدالرضا و رضادوست، کریم و پورترکارونی، محمد (۱۳۹۱)، «بررسی عوامل مؤثر بر تعاملات و ارتباطات دانشجویان با استادان»، فصلنامهٔ پژوهش و برنامه‌ریزی در آموزش عالی، شماره ۶۳، ۴۱-۲۵.
۱۲۱. نوروززاده، رضا و فتحی‌واجارگاه، کوروش و کیدوزی، امیرحسین (۱۳۸۸)، «تحلیل محتوایی اسناد فرادستی و معین به منظور استنتاج سیاست‌های برنامه‌های توسعهٔ پنجم بخش آموزش عالی، تحقیقات و فناوری»، فصلنامهٔ پژوهش و برنامه‌ریزی در آموزش عالی، شماره ۵۳، ۵۰-۲۹.
۱۲۲. هادی زنور، بهروز و برمکی، افشین (۱۳۹۰)، «شناسایی خوشه‌های صنعتی استان تهران»، فصلنامهٔ اقتصاد مقداری (بررسی اقتصادی سابق)، دورهٔ هشتم، شماره ۱، ۲۲-۱.
۱۲۳. هداوند، سعید (۱۳۹۰)، «بررسی مهارت‌های مورد نیاز مهندسان در برنامه‌ریزی آموزش مهندسی با استفاده از مدل مهارتی کاتز»، نشریهٔ علمی پژوهشی فناوری آموزش، سال ششم، شماره ۱، ۱۶-۹.
۱۲۴. همتی، فاطمه و پزشکی‌راد، غلامرضا و چیدری، محمد (۱۳۸۶)، «بررسی وضعیت شغلی و موفقیت شغلی

- دانش آموختگان مراکز آموزش کشاورزی استان آذربایجان شرقی»، علوم ترویج و آموزش کشاورزی ایران، جلد ۳، شماره ۱، ۸-۱.
۱۲۵. ایزدی، صمد و صالحی عمران، ابراهیم و قربانی، عادل (۱۳۸۹)، «ارزیابی وضعیت اشتغال دانش آموختگان دانشگاه جامع علمی کاربردی»، آموزش عالی ایران، شماره ۳، ۲۴-۱.
۱۲۶. یمنی دوزی سرخابی، محمد و امین مظفری، فاروق (۱۳۸۶)، «بررسی عوامل مؤثر بر تجارب پژوهشی دانشجویان تحصیلات تکمیلی دانشگاه شهید بهشتی»، مطالعات تربیتی و روان‌شناسی دانشگاه فردوسی، دوره ۱۰، شماره ۱، ۸۴-۱۰۰.
۱۲۷. یوسفی‌راد، مصطفی و غفاری، هادی (۱۳۸۸)، «دانشگاه صنعتی در چشم‌انداز ۱۴۰۴»، نشریه صنعت و دانشگاه، سال دوم، شماره ۳ و ۴، ۶۱-۵۳.
۱۲۸. مرکز آمار ایران (www.sci.org.ir).
۱۲۹. نقشه جامع علمی کشور (۱۳۸۹).
۱۳۰. برنامه پنج‌ساله توسعه جمهوری اسلامی ایران.
۱۳۱. سند تحول راهبردی علم و فناوری کشور (۱۳۸۸).
۱۳۲. گزارش ملی آموزش عالی تحقیقات و فناوری سال ۱۳۸۶ (www.irphe.ir).

پی‌نوشت‌ها

۱. عرضه، بیانگر طرف فروشندگان بازار است و از تمایل و توانایی فروشندگان به فروش کالا و خدمات حکایت دارد. عرضه درواقع مقادیر مختلف یک کالا را نشان می‌دهد که فروشندگان تمایل دارند و قادرند در قیمت‌های مختلف و در دوره معین بفروشند (فرجی، ۱۳۸۷).
۲. تقاضا، بیانگر طرف خریدار بازار است و درواقع تمایل و توانایی خریدار به خرید کالا و خدمات را نشان می‌دهد. تقاضا مقادیر مختلف از یک کالا است که خریدار تمایل دارد و می‌تواند در قیمت‌های مختلف و در یک دوره معین خریداری کند (فرجی، ۱۳۸۷: ۱۷).

3. Habitus.
4. Champ.
5. Cultural capital.
6. Dumais.
7. Sullivan.
8. Hayes.
9. Aschaffenburg.
10. Mass.

